



جزوه فلسفه (۲)

ویژهٔ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳

مؤلف: ناصر آزادجو

ارتباط با مؤلف در فضای مجازی:



@naserazadjoo



naser-azadjoo



@naserazadjoo



@naserazadjoo

سؤالات خط به خط درس اول فلسفه دوازدهم

۱- موضوع دانش فلسفه چیست؟ یکی از مباحث اساسی این دانش چیست؟

کله پاسخ: موضوع فلسفه (اولی)، وجود است و مسائل اساسی وجود را بررسی می‌کند. یکی از مباحث اساسی فلسفه، علم و معرفت است.

۲- مباحث اصلی پیرامون حقیقت وجود، شامل چه مواردی می‌شود؟

کله پاسخ: رابطه هستی با چیستی، جهان ممکنات و مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع، علت و معلول و رابطه علیت در جهان.

۳- یکی از مباحث اولیه فلسفه، چه موضوعی است؟ تا چه اندازه کاربرد دارد؟

کله پاسخ: یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم هستی (وجود) و چیستی (ماهیت) است. این دو مفهوم: از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند.

۴- قدم‌های شناخت نسبت وجود و ماهیت را به ترتیب بیان نمایید.

کله پاسخ: قدم اول: همه ما می‌دانیم اشیاء و موجوداتی وجود دارند. (اصل پذیرش واقعیت مستقل) که می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم (اصل امکان شناخت واقعیت)
قدم دوم: با طرح سؤال «این / آن چیست؟» در صدد پی بردن به ماهیت آن واقعیتی هستیم که به وجودش پی برده‌ایم. (پی بردن به چیستی)
قدم سوم: در می‌یابیم که وجود و ماهیت دو جنبه از یک چیز هستند نه دو جزء از یک چیز - در خارج نیز از هم جدا نیستند.
قدم چهارم: در می‌یابیم مفهوم وجود با مفهوم ماهیت مغایرت دارد. (حمل وجود بر ماهیات، نیازمند دلیل است)

۵- نام ویژگی‌های مخصوص هر شیء در منطق و فلسفه چیست و چه ارتباطی با ماهیت دارد؟ (نهایی: دی ۹۹، شهریور ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱)

پاسخ: نام ویژگی‌های مخصوص هر شیء در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء است و ذاتیات هر شیء، بیان‌کننده ماهیت و ذات آن شیء است

۶- انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند چند جنبه می‌یابد؟ هر کدام بیانگر چه وجهی از موجودات است؟

(نهایی: دی ۹۸، فرورداد ۹۹، شهریور ۹۹، دی ۹۹، فرورداد ۱۴۰۰، فرورداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲)

کله پاسخ: ما دو جنبه از هر چیز می‌یابیم: موجود بودن (بیانگر وجه مشترک موجودات - شباهت) و چیستی داشتن (بیانگر وجه اختصاصی موجودات - تمایز)

۷- بحث وجود و ماهیت و تمایز آن دو در ذهن، در فلسفه فارابی و ابن سینا چه جایگاهی دارد؟

کله پاسخ: فارابی درباره تمایز وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای کرد و نکاتی را بیان نمود و ابن سینا راهش را ادامه داد.

۸- منظور از اینکه می‌گوییم وجود و ماهیت دو جنبه از یک چیزند، چیست؟ با مثال توضیح دهید. (نهایی: شهریور ۱۴۰۰، فرورداد ۱۴۰۲)

کله پاسخ: منظور از اینکه هستی و چیستی دو جنبه از یک چیز هستند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب شده‌اند. (مثل اکسیژن و هیدروژن برای آب نیست. از نظر فلسفی آب یک موجود واحد و غیر مرکب است ولی با دو جنبه مختلف: یکی جنبه وجود آب و دیگری جنبه چیستی آن (خود آب بودن))

۹- طبق نظر ابن سینا چه تفاوتی بین قضیه «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» وجود دارد؟

(نهایی: فرورداد ۹۹، شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، فرورداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲)

کله پاسخ: حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» نیاز به دلیل ندارد و مفاهیم «ناطق» و «حیوان» از اجزای تعریفی انسان هستند و چیستی او را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان می‌باشند. اما حمل «وجود» بر «انسان» نیاز به دلیل دارد تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است».

۱۰- حمل وجود بر چیستی، به چه نوع دلیلی محتاج است؟

کله پاسخ: دلیل حسی و تجربی یا عقلی محض

۱۱- منظور از حمل نیازمند دلیل و حمل بی نیاز از دلیل را با ذکر مثال بیان نمایید. (نهایی: دی ۹۸)

کله پاسخ: حمل بی نیاز از دلیل: یعنی حمل ذاتیات بر ذات و یکی بودن مفهوم موضوع و محمول. مثال انسان حیوان ناطق است، انسان حیوان است، انسان ناطق است. حمل نیازمند دلیل: یعنی حمل امور غیرذاتی بر ذات و اینکه مفهوم محمول غیر از موضوع است. مثال: انسان، موجود است. انسان حرکت کننده است.

۱۲- توجه خاص ابن سینا به مغایرت وجود و ماهیت در ذهن، چه نتایجی به دنبال داشت؟ (نهایی: خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۱)

کله پاسخ: توجه خاص ابن سینا به موضوع مغایرت وجود و ماهیت، مقدمه طرح مباحث جدیدی شد. گفته اند: «فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است». این بحث پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خداست (برهان وجوب و امکان)

۱۳- توماس آکوئیناس تا چه اندازه به فلسفه ابن سینا و نظریه مغایرت وجود و ماهیت در ذهن، توجه داشت؟

(نهایی: شهریور ۹۹، دی ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۱)

کله پاسخ: اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی شد. مثل ابن سینا، این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی تومیسیم در اروپا شد هنوز هم به نام وی در جریان است.

۱۴- فلسفه ای که آکوئیناس در قرن ۱۳ میلادی پایه گذاری کرد متکی به دیدگاه چه کسانی بود و چه نقشی در ارتباط فلاسفه اروپایی با فلسفه ارسطویی داشت؟

(نهایی: دی ۹۸، دی ۹۹، خرداد ۱۴۰۰)

کله پاسخ: بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی «ابن رشد» بود. این امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

۱۵- نظریه مغایرت وجود و ماهیت ابن سینا، چه جایگاهی نزد فلاسفه مسلمان بعد از او داشت؟

کله پاسخ: در آنان زمینه های گفت وگوهای مهم فلسفی شد که تا امروز نیز ادامه یافته است.

سوالات خط به خط درس دوم فلسفه دوازدهم

۱- آیا مسأله‌های فیلسوفان با توجه به پیشرفت علوم، تغییر می‌کند؟

پاسخ: با اینکه علوم پیشرفت می‌کنند، اما بسیاری از مسئله‌های فیلسوفان ثابت مانده است و درباره آن بحث کرده و کتاب می‌نویسند.

۲- برخی از مسائل فیلسوفان که همواره برایشان ثابت بوده و با پیشرفت علوم تغییر نمی‌کند، کدامند؟

پاسخ: جهان منتهای است یا نامتناهی؟ جهان همواره بوده یا آغازی مانند «مه بانگ» (بیگ‌بنگ) داشته؟ هستی منحصر به طبیعت است یا عوالم دیگری هم وجود دارد؟ آیا علاوه بر موجودات جسمانی، موجودات غیرجسمانی هم هست؟ آیا موجودات این جهان (چه منتهای چه نامتناهی) می‌توانسته‌اند نباشند؟

۳- رابطه میان موضوع و محمول در قضایای حملی، چند حالت می‌تواند داشته باشد؟ هریک به چه معناست؟ مثال بزنید.

(نهایی: فرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، فرداد ۱۴۰۱)

- پاسخ: سه حالت: ۱. وجوب (ضرورت): اگر حمل محمول بر موضوع ضروری باشد. مثال: مثلث شکل سه ضلعی است.
 ۲. امکان: اگر حمل محمول برای موضوع ضروری نباشد و هم بتواند حمل شود هم نشود. مثال: دیوار خانه ما سفید است.
 ۳. امتناع: حمل محمول بر موضوع محال و غیرممکن باشد. مثال: عدد هشت فرد است.

۴- اگر در قضایای حملی، «وجود» به عنوان محمول قرار بگیرد، با موضوعش چند حالت می‌تواند داشته باشد؟ توضیح دهید.

(نهایی: شهریور ۹۹)

- پاسخ: سه حالت: ۱. واجب الوجود: موضوعی که نسبت به محمول وجود، رابطه حتمی دارد. مثال: خدا.
 ۲. ممکن الوجود: موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه احتمالی دارد. مثال: انسان
 ۳. ممتنع الوجود: موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه محال دارد. مثال: سیاه سفید

۵- به اعتقاد فارابی و ابن‌سینا، چه چیزی باعث می‌شود که ممکن‌الوجودها موجود شوند؟

پاسخ: فارابی و ابن‌سینا معتقدند اگرچه ممکن‌الوجودها در ذات و ماهیت خود، با وجود رابطه امکانی دارند، اما همین رابطه امکانی به آنها اجازه می‌دهد که اگر علت وجودشان فراهم شود، موجود شوند.

۶- منظور از رابطه امکانی را توضیح دهید.

(نهایی: فرداد ۱۴۰۰)

پاسخ: منظور از رابطه امکانی یعنی ذاتش این‌طور نیست که حتماً موجود نباشد بلکه می‌تواند موجود نباشد. ذاتش این‌طور نیست که حتماً موجود باشد بلکه می‌تواند موجود باشد. با بودن علت، وجود برایش ضروری می‌شود.

۷- منظور از واجب الوجود بالغیر چیست؟

(نهایی: دی ۱۴۰۰، فرداد ۱۴۰۱، فرداد ۱۴۰۲، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: در حال حاضر همه اشیا که موجود هستند، واجب الوجود هستند (وجودشان ضروری شده که موجود شدند) اما این ضرورت از ناحیه ذاتشان نیست بلکه به واسطه علت‌هایی است که خارج از ماهیت آنهاست. به چنین واجب الوجودی، واجب الوجود بالغیر می‌گویند. (خدا واجب الوجود بالذات است).

۸- حالت ممکن الوجود (حالت امکانی) را به چه چیزی می‌توان تشبیه نمود؟ توضیح دهید.

(نهایی: فرداد ۹۹، فرداد ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱)

پاسخ: حالت ممکن الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارند و هیچ کفه‌ای بر دیگری ترجیحی ندارد حال اگر ببینیم یکی از کفه‌ها پایین آمده، می‌گوییم عقلاً محال است بدون هیچ علتی، چنین شده باشد.

سوالات خط به خط درس سوم فلسفه دوازدهم

۱- پرسش از «چیستی» و «چرایی» چه جایگاهی در دوران زندگی انسان دارد؟

ک پاسخ: پرسش از چیستی و چرایی (علیت) از همان کودکی در انسان وجود دارد و نشانه روحیه پرسشگری است. چراها در بزرگسالی به بیشتر و عمیق تر می شود.

۲- اصل علیت چه جایگاهی در میان مسائل فلسفی دارد؟ درباره آن توضیح دهید.

ک پاسخ: یکی از کهن ترین مسائل فلسفی و نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و به تفکر واداشته است، چگونگی رابطه علت و معلول است. انسان از همان ابتدای ظهورش بر زمین، به دنبال علت یابی بوده است و برای یافتن علل پدیده ها تلاش کرده است.

۳- منظور از «علت»، «معلول» و «رابطه علت» چیست؟

ک پاسخ: علت: چیزی که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی آید. معلول: چیزی که وجودش را از چیز دیگر می گیرد. رابطه علت: رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را می گویند.

۴- رابطه علت چگونه رابطه ای است؟ چه تفاوتی با سایر روابط دارد؟

(نهایی: شهریور ۹۹، دی ۹۹، خرداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۱)

ک پاسخ: رابطه علت رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد. یعنی علیت، مانند رابطه دوستی نیست که ابتدا وجود دو فرد فرض شود سپس دوستی برقرار شود. (مانند هیچ رابطه دیگری نیست: روابط دیگر بعد از وجود طرفین هستند)

۵- دکارت، اصل علیت را چگونه اصلی می داند؟ درباره دیدگاه او توضیح دهید.

(نهایی: دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲)

ک پاسخ: معتقد بود اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء اصول اولیه ای است که انسان از آن درک فطری دارد. یعنی هر انسان، با درکی از رابطه علت متولد شده و درک آن نیاز به تجربه و آموزش ندارد. ولی یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

۶- تجربه گرایان رابطه علت را چگونه تبیین می کنند؟ با مثال توضیح دهید.

ک پاسخ: هر چیزی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می کنند. معتقدند انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علت را بنا می نهد. مثال: می گویند چون همیشه زمین با آمدن خورشید روشن می شود و با رفتنش تاریک، انسان اسم این توالی را، علیت نامیده است.

۷- در میان فیلسوفان تجربه گرا، نظر دیوید هیوم درباره رابطه علت را بیان نمایید.

(نهایی: دی ۹۸، خرداد ۹۹، دی ۹۹، خرداد ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲)

ک پاسخ: او در میان فیلسوفان تجربه گرا، نظر خاصی دارد. می گوید درست است که تنها راه شناخت واقعیات، حس و تجربه است اما اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را حسی نمی داند و معتقد است باید دنبال راه تجربی دیگری بود.

می گوید: چشم تنها اجسام و رنگها و شکلهای را می بیند و اینکه خورشید علت روشنایی است را درک نمی کند. بر اثر تکرار مشاهده در ذهن چنین «تداعی» می شود که خورشید «علت» است و این تداعی فقط یک امر روانی است (عادت است و ما پنداشته ایم علت است) (هیوم علیت را تجربی نمی داند)

۸- از نظر فلاسفه مسلمان اصل علیت چگونه اصلی است؟ چرا؟

ک پاسخ: اصل علیت را قاعده ای عقلی می دانند که از تجربه بدست نمی آید. زیرا دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرش اصل علیت دست به تجربه می زنند و هر تلاش تجربی بر قاعده علیت مبتنی است. به طور مادرزادی نیز با این قاعده آشنا نبوده است.

۹- چگونه پی بردن عقل به اصل علیت را از دیدگاه فلاسفه مسلمان، بیان نمایید.

(نهایی: فرداد ۹۹، شهریور ۹۹، دی ۹۹، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: معتقدند همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه می شود وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی شود، یعنی درمی یابد یک چیز نمی تواند هم موجود باشد هم موجود نباشد. زیرا یک چیز یا هست یا نیست و نمی تواند هم خودش باشد هم غیر خودش؛ این همان اصل امتناع اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است و انسان براساس آن درمی یابد که پدیده ها خودبه خود به وجود نمی آیند و اگر چیزی خودش به وجود دهد، یعنی چیزی که نیست، قبلاً موجود بوده (جمع بودن و نبودن = محال).

۱۰- طبق فلاسفه مسلمان، انسان بعد از درک کدام اصل درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؟

(نهایی: فرداد ۱۴۰۲)

پاسخ: اصل امتناع اجتماع نقیضین

۱۱- با توجه به دیدگاه فلاسفه مسلمان، انسان چه هنگامی متوجه می شود حوادث خود به خود رخ نمی دهند؟

(نهایی: دی ۹۸)

پاسخ: از نظر این فیلسوفان، پس از شکل گیری ذهن کودک و درک برخی حقایق است که کودک وقتی صدایی را می شنود یا حرکتی را می بیند به دنبال منشأ صدا و عامل حرکت است. بعد از این است که متوجه می شود حوادث، خود به خود رخ نمی دهند و می توان علل حوادث را پیدا کرد.

۱۲- در دیدگاه فلاسفه مسلمان، حس و تجربه چه نقشی در فهم علیت دارد؟

(نهایی: فرداد ۱۴۰۰)

پاسخ: کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه است. اما خود اصل علیت از این طریق بدست نمی آید.

۱۳- منظور از «اصل سنخیت علت و معلول» چیست؟ مثال بزنید.

(نهایی: فرداد ۹۹، شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: یعنی هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود. همه انسان ها طبق این اصل رفتار می کنند: باسواد شدن، درس خواندن می خواهد - برای سلامتی باید ورزش و غذای سالم داشت.

۱۴- طبق دیدگاه فیلسوفان، اصل سنخیت چگونه اصلی است؟

(نهایی: دی ۱۴۰۱)

پاسخ: فیلسوفان (بجز تجربه گرایان) این اصل را اصلی عقلی می دانند. (برای اینکه بدانیم هر معلولی چه علت خاصی دارد، از طریق تجربه است)

۱۵- یکی از نتایج پذیرش اصل سنخیت چیست؟

پاسخ: انسان از هر چیز انتظار آثار خودش را دارد لذا می کوشد ویژگی هر شیء را شناخته و تفاوت های آن با اشیای دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه هر چیز را بشناسد.

۱۶- اصل سنخیت چه جایگاهی در تبیین نظم جهان و تحقیقات علمی دانشمندان دارد؟

(نهایی: شهریور ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۱)

پاسخ: با قبول اصل سنخیت: می توانیم برای نظم دقیق جهان، پشتوانه عقلی قائل شویم؛

دانشمندان تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند؛

برای یافتن علت یک پدیده، سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد.

۱۷- اصل وجوب علی و معلولی (اصل ضرورت) را به اختصار توضیح دهید.

پاسخ: یعنی آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است. معلول با قطع نظر از علت، امکان ذاتی دارد یعنی ذاتش نسبت به وجود و عدم مساوی است. (دو کفه ترازو) پس علت به معلول خود ضرورت وجود می بخشد و معلول را موجود می کند. به این ضرورت بخشی، اصل وجوب علی و معلولی گفته می شود. به عبارت ساده تر اگر علت یک چیز موجود شود، موجود شدن آن چیز نیز واجب و ضروری می شود و آن چیز موجود می شود.

۱۸- پذیرش «اصل علیت» باعث ایجاد چه دیدگاهی درباره جهان می شود؟

پاسخ: زمینه ساز نگاه ویژه به جهان است. قبول این اصل منجر به پی بردن به ارتباط و پیوستگی اجزای جهان و یافتن عامل پیدایش هر پدیده می شود.

۱۹- پذیرش «اصل وجوب و ضرورت علی و معلولی» چه تصویری را از جهان نشان می‌دهد؟ (نهایی: دی ۹۸، شهریور ۹۹، خرداد ۱۴۰۲)

پاسخ: اصل وجوب یا ضرورت، جهان را تابع رابطه‌ای ضروری و حتمی می‌داند (تخلف‌ناپذیری و حتمیت در هستی) مثال: باغبان بر همین اساس بذر کاشته و آبیاری می‌کند - راننده با همین مبنا خودرویش را روشن می‌کند.

۲۰- پذیرش «اصل سنخیت میان علت و معلول» چه تصویری را از جهان نشان می‌دهد؟ (نهایی: دی ۹۸، شهریور ۹۹، دی ۹۹)

پاسخ: نظم خاصی در جهان برقرار می‌کند (نظم و قانونمندی میان پدیده‌ها) - می‌فهماند هر چیز نمی‌تواند منشأ هر چیز شود.

سؤالات خط به خط درس چهارم

۱- کلمه «اتفاق» در گفت و گوهای روزمره و دیدگاه فیلسوفان، از چه جایگاهی برخوردار است؟

پاسخ: کلمه «اتفاق» هر گفت‌وگوهای روزمره: میان همه اقوام کاربرد دارد. مردم برخی امور را اتفاقی و تصادفی می‌دانند و برخی را نه. در نظرات فیلسوفان و دانشمندان: گاهی به کار رفته است.

۲- دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، چه اعتقادی درباره ماده اولیه جهان داشت؟ (نهایی: خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۱)

پاسخ: ماده اولیه جهان، اتم و ذرات تجزیه‌ناپذیر و غیرقابل تقسیم است و برخورد اتفاقی این اتم‌های سرگردان در فضای نامتناهی باعث پیدایش عناصر و اشیاء فعلی شد.

۳- درباره نظریه تکامل زیستی و ارتباط آن با اتفاق توضیح دهید.

پاسخ: طبق این نظریه از پیدایش موجود زنده ۳/۵ میلیارد سال گذشته - جانداران مختلفی زندگی کردند. فقط «اتفاقی» آن‌هایی که با محیط سازگار بودند به حیات خود ادامه دادند.

۴- درباره مهبانگ و ارتباط آن با اتفاق توضیح دهید.

پاسخ: برخی دانشمندان امروزی معتقدند جهان کنونی، با یک انفجار بزرگ (مهبانگ) آغاز شده این باعث شده برخی گمان کنند پیدایش جهان اتفاقی و بدون علت وجوددهنده است.

۵- از جمله اقدامات مؤثر فیلسوفان درباره مفاهیم عامیانه چه بوده است؟

پاسخ: یکی از اقدامات مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها بوده است. ابن سینا این دقت را از وظایف فیلسوفان می‌داند.

۶- مهم‌ترین کتاب فلسفی ابن سینا چیست؟ او در این کتاب درباره دو واژه «اتفاق» چه اقدامی کرده است و هدفش چه بود؟

پاسخ: مهم‌ترین کتاب فلسفی او الهیات شفا نام دارد. او در این کتاب درباره کلمه اتفاق و شانس، سخن گفته است. (هدف: تصحیح نظر مردم)

۷- چرا لازم است جنبه فلسفی مفهوم اتفاق مورد بررسی قرار گیرد؟

پاسخ: زیرا ممکن است مردم و یا حتی برخی دانشمندان این مفاهیم را به اشتباه در مورد برخی امور به کار ببرند.

۸- معانی مختلف اتفاق را بیان نمایید.

پاسخ: معنای اول: نبودن حتمیت میان علت و معلول (انکار اصل وجوب و اصل علیت) معنای دوم: امکان پدید آمدن هر معلولی از هر علتی (انکار اصل سنخیت) معنای سوم: نبودن هدف و غایت در نظم جهان (انکار هدفمندی و نفی علت نخستین و آفریننده) معنای چهارم: رخ دادن حادثه پیش‌بینی نشده

۹- فیلسوفان چه اعتقادی درباره معنای اول اتفاق دارند؟

پاسخ: فیلسوفان معمولاً با این معنای اتفاق موافق نیستند و معتقدند که هر معلولی به علت نیاز دارد.

۱۰- چه عاملی باعث می‌شود انسان گمان کند میان علت و معلول رابطه ضروری حاکم نیست؟
(نهایی: دی ۱۴۰۱) **پاسخ:** علت وجود این عقیده در برخی مردم، آگاه نبودن از تمام اجزای یک علت است.

۱۱- منظور از «علت ناقصه» و «علت تامه» را با ذکر مثال توضیح دهید.
(نهایی: فررداد ۹۹، دی ۹۹، فررداد ۱۴۰۱، فررداد ۱۴۰۲) **پاسخ:** در مواردی که معلول از مجموعه‌ای از عوامل پدید می‌آید، به هریک از عوامل، «علت ناقصه» و به مجموعه عوامل، «علت تامه» گویند.

۱۲- کدام دسته از فلاسفه معنای دوم اتفاق را رد می‌کنند؟ درباره نظرشان توضیح دهید.
پاسخ: فلاسفه‌ای مثل ابن‌سینا، ملاصدرا، علامه طباطبایی و برخی فلاسفه اروپایی، این معنا را هم امکان‌پذیر نمی‌دانند. می‌گویند: در صورت انکار جدی سنخیت، فرد اقدام به هیچ کار نمی‌کند. مثلاً نمی‌تواند برای رفع عطش، آب بیاشامد. زیرا رابطه‌ای بین آب و رفع عطش نمی‌بیند.

۱۳- انکار اصل سنخیت منجر به چه نتایجی می‌شود؟
پاسخ: فرد نمی‌تواند نظم موجود در طبیعت را تبیین کند. نمی‌تواند دلیل نظم را هم بدست آورد. فرد نمی‌تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها دعوت کند. انکار اصل سنخیت، بی‌اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد.

۱۴- کدام معنای اتفاق نیاز به دقت و تأمل بیشتری دارد؟
پاسخ: معنای سوم: نفی هدفمندی

۱۵- چگونگی طرح بحث معنای سوم اتفاق را با ذکر مثال توضیح دهید.
پاسخ: زمین تحولات بسیاری پیموده، موجودات روز به روز کامل‌تر شدند تا اینکه به کامل‌ترین موجود زنده کره زمین یعنی انسان رسید. مثالی که می‌توان در قالب یک سؤال در خصوص این معنا مطرح نمود: آیا غایت همه تحولات و منتهای آن، اتفاقی، انسان بوده است؟

۱۶- فلاسفه درباره معنای سوم اتفاق (بی‌هدفی) چند دسته هستند؟ نظرشان را بیان نمایید.
(نهایی: فررداد ۹۹، شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۲) **پاسخ:** فلاسفه سه دسته‌اند:

دسته اول: علاوه بر لوازم علیت، به علت نخستین معتقدند؛ معتقدند همه حوادث جهان از ابتدا تاکنون و در آینده در جهت یک هدف از پیش تعیین شده قرار دارند؛ یعنی جهان به سوی کمال خود در حرکت است و روز به روز کامل‌تر می‌شود.
دسته دوم: معمولاً به علت نخستین معتقد نیستند؛ غایت‌مندی زنجیره‌ای حوادث را انکار و حتی وجود فرآیندهای تکاملی را در جهان، امری اتفاقی به حساب می‌آورند که از پیش تعیین نشده است.
دسته سوم: در عین انکار خداوند می‌خواهند برای انسان و جهان غایت و هدف تعیین کنند؛ می‌گویند جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کامل‌تر می‌شود.

۱۷- دیدگاه کسانی که در عین انکار خداوند می‌خواهند برای انسان و جهان غایت و هدف تعیین کنند، چگونه قابل نقد است؟
(نهایی: دی ۹۹، شهریور ۱۴۰۱، فررداد ۱۴۰۲) **پاسخ:** قبول غایت وقتی امکان‌پذیر است که آن غایت قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد و اشیا متناسب با آن ساخته شده باشند تا به سوی آن حرکت نمایند و بدون قبول خداوند، چنین غایت و هدفی امکان‌پذیر نیست.

۱۸- درباره معنای چهارم اتفاق (رخ دادن حادثه پیش بینی نشده) توضیح دهید.
پاسخ: این معنا کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است. مثال: شخصی برای خرید به فروشگاه می‌رود و اطلاع ندارد همان زمان دوستش نیز به آن فروشگاه رفته است، وقتی دوستش را می‌بیند می‌گوید اتفاقی او را دیدم. اینجا اتفاق یعنی پیش بینی نشده. و گرنه براساس قاعده علیت و لوازم آن، مجموعه تصمیم‌ها و حرکت‌های این شخص و دوستش سبب شده همدیگر را ببینند.

سؤالات خط به خط درس پنجم

۱- مسئله خدا در فلسفه به کدامیک از بخش‌های دانش فلسفه مربوط است؟

کله پاسخ: خدا در فلسفه از یک جهت مربوط به فلسفه مضاف است: فلسفه دین؛ زیرا به مهم‌ترین موضوع ادیان یعنی خدا می‌پردازد. از یک جهت مربوط به بخش اصلی فلسفه است: وجودشناسی؛ زیرا بحثی مهم در این بخش، شناخت علت نخستین و مبدأ هستی یعنی واجب‌الوجود بالذات است

۲- مسئله عقل در فلسفه به کدامیک از بخش‌های دانش فلسفه مربوط است؟

کله پاسخ: عقل در فلسفه از یک جهت مربوط به فلسفه مضاف است: انسان‌شناسی فلسفی. از یک جهت مربوط به بخش اصلی فلسفه است: معرفت‌شناسی؛ زیرا می‌خواهد حدود معرفت بشری را روشن سازد.

۳- در جامعه زمان سقراط، افلاطون و ارسطو اعتقاد به خدا چگونه بود؟

کله پاسخ: در دوره سقراط، افلاطون و ارسطو مردم به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هرکدام را مبدأ یک حقیقت می‌دانستند.

۴- در یونان باستان، «زنوس»، «آپولون» و «آرتمیس» به ترتیب خدای چه اموری بودند؟

کله پاسخ: زنوس: خدای آسمان و باران. آپولون: خدای خورشید و هنر و موسیقی. آرتمیس: خدای عفت و خویشن‌داری.

۵- عمق اعتقاد مردم یونان باستان درباره خدایان متعدد تا چه اندازه بود؟

کله پاسخ: به حدی این اعتقاد عمیق بود که انکار آنها، طرد از جامعه و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت. حاکمان و بزرگان اجازه توهین به خدایان را نمی‌دادند. اتهام سقراط نیز همین بود: خدایانی که همه اعتقاد دارند انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید.

۶- با توجه به اینکه سقراط گاهی از لفظ خدایان استفاده می‌کرد، درباره اعتقاد او به خدای یگانه چه گزارشی وجود دارد؟

کله پاسخ: سقراط گاهی از لفظ خدایان هم استفاده می‌کرد اما گزارش افلاطون از محاکمه وی نشان می‌دهد سقراط به خدای یگانه اعتقاد داشت و تلاش می‌کرد مردم را به این حقیقت رهبری و هدایت نماید.

۷- چرا افلاطون‌شناسان، افلاطون را ابداع‌کننده خداشناسی فلسفی نامیده‌اند؟

کله پاسخ: زیرا استدلالی و فلسفی از خدا صحبت کرد.

۸- افلاطون، کار خدا را چگونه می‌داند؟

کله پاسخ: از نظر افلاطون کار خدا هدف‌دار است. خدا یک خدای معین با ویژگی‌های روشن است. با چند خدایی فرق دارد.

۹- توصیف افلاطون از خدا چگونه توصیفی است و او خداوند را چگونه توصیف می‌کند؟ (نهایی: فرداد ۹۹، فرداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۱)

کله پاسخ: توصیف افلاطون کاملاً بر توصیف خدا در ادیان الهی منطبق است. افلاطون می‌گوید: در سوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است نه می‌زاید نه از میان می‌رود و نه چیز دیگری را به خود راه می‌دهد و نه خود در چیز دیگری فرو می‌شود. نه دیدنی نه شنیدنی نه از طریق حواس دریافتنی است و فقط با تفکر و تعقل می‌توان به او دست یافت.

۱۰- افلاطون در مواردی از خداوند با عنوان «مثال خیر» یاد می‌کند. منظور او را در این خصوص توضیح دهید. (نهایی: دی ۱۴۰۰)

کله پاسخ: همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می‌شود و همانطور که روشنائی شبیه خورشید است اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه «مثال خیر» هستند، نه خود آن.

۱۱- افلاطون در مواردی از خداوند با عنوان «صانع» و آفریننده یاد می‌کند. چرا او این عنوان را مطرح نمود؟

پاسخ: تا به انسان‌ها یادآوری نماید که نظم جهان از وجودی عاقل سرچشمه می‌گیرد. در این زمینه می‌گوید: یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می‌توان گفت این است که کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد.

۱۲- طبق توضیحات افلاطون شناسان، در دیدگاه افلاطون چه تفاوتی میان اصطلاح «مثال خیر» و «دمیورژ» درباره خدا وجود دارد؟

(نهایی: شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: بسیاری از افلاطون‌شناسان معتقدند «مثال خیر» و «صانع» (دمیورژ) هر دو نام‌های دیگر خداست. معتقدند دمیورژ همان خداست اما در مرتبه خلق جهان، ولی مثال خیر، فقط اشاره به ذات خدا دارد.

۱۳- طبق توضیحات افلاطون شناسان، هدف افلاطون از به کار بردن لفظ خدایان چه بوده است؟

پاسخ: آنها می‌گویند اگر گاهی افلاطون از خدایان نام می‌برد، به معنای چندخدایی نیست، بلکه برای ارتباط برقرار کردن با جامعه آن است که به شدت مشرک‌اند.

۱۴- افلاطون تلاش می‌کرد چه جایگاهی را برای خدا معرفی نماید؟

پاسخ: افلاطون تلاش می‌کند خداوند (مثال خیر) را در جایگاهی قرار دهد که هیچ موجود دیگری نمی‌تواند به آن جایگاه برسد.

۱۵- تلاش ارسطو در ارتباط با مسئله خدا، چه بود؟

پاسخ: او که از منطقی قوی برخوردار بود تلاش کرد برهان‌هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین ارائه کند.

۱۶- استدلال‌های ارسطو در اثبات وجود خداوند از چه خصوصیتی برخوردار بود؟

پاسخ: قدم‌های اولیه بودند اما استحکام خاصی داشتند و زمینه قدم‌های بعدی شدند.

۱۷- ارسطو برای اثبات وجود خدا از دو برهان استفاده نمود، نام آنها را بنویسید.

(نهایی: فرورداد ۱۴۰۱)

پاسخ: برهان برترین درجات کمال و برهان حرکت.

۱۸- برهان «برترین درجات کمال» ارسطو را بیان نمایید.

(نهایی: شهریور ۱۴۰۱، فرورداد ۱۴۰۲)

پاسخ: مقدمه ۱: در میان موجودات برخی بهتر از برخی هستند.

مقدمه ۲: هر جا یک بهتر، وجود دارد، بهترین نیز هست.

نتیجه: پس حقیقتی بهترین وجود دارد که از همه برتر است و این همان واقعیت الهی است.

۱۹- با توجه به دیدگاه ارسطو چگونه می‌توان از مقایسه موجودات به یک موجود مطلق رسید؟

پاسخ: ارسطو معتقد است که هرگاه دو موجود با یکدیگر مقایسه شوند و گفته شود یکی خوب‌تر از دیگری است، باید یک خوب مطلق وجود داشته باشد که بتوان آن دو موجود را با این وجود کامل مقایسه نمود و هر کدام به او نزدیک‌تر باشد، برتر و هر کدام دورتر باشد، ناقص‌تر خواهد بود.

۲۰- برهان حرکت مطرح شده توسط ارسطو را بیان نمایید.

(نهایی: دی ۹۹، فرورداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا برهان حرکت نام دارد. ارسطو معتقد است که وجود حرکت نیازمند یک محرکی است که خودش حرکت نداشته باشد. زیرا اگر حرکت داشته باشد نیازمند محرکی دیگر است و آن محرک دوم نیز اگر نیازمند محرکی دیگر باشد سلسله محرک‌ها تا بی‌نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۲۱- شکل گیری دوره جدید اروپا در چه قرن‌هایی بود؟ و چه دیدگاه‌هایی درباره خدا مطرح شد؟

کله پاسخ: از قرن‌های ۱۴ و ۱۵ م. بود و با پیدایش دو جریان عقل‌گرا و تجربه‌گرا (حس‌گرا)، درباره خدا نیز دیدگاه‌های مختلفی ظهور کرد.

۲۲- استدلال دکارت درباره اثبات وجود خدا را بیان نمایید.

(نهایی: خرداد ۹۹، شهریور ۹۹، خرداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲)

کله پاسخ: مقدمه ۱: من از حقیقت نامتناهی و علیم و قدیر که خودم و هر چیز دیگر به وسیله او خلق شده‌ایم، تصویری دارم.

مقدمه ۲: این تصور نمی‌تواند از خودم و هر موجود متناهی دیگر باشد. زیرا من متناهی‌ام.

∴ پس از وجود نامتناهی است. (او این ادراک را داده).

(این استدلال بر اساس داشتن تصور از خالق نامتناهی است)

۲۳- استدلال دکارت بر اساس چیست؟

کله پاسخ: داشتن تصور از نامتناهی.

۲۴- دیوید هیوم دلایل دکارت و صرفاً عقلی در اثبات خداوند را چگونه می‌داند؟ چرا؟

(نهایی: شهریور ۹۹)

کله پاسخ: دلایل دکارت و صرفاً عقلی را مردود می‌داند زیرا معتقد است عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

۲۵- از نظر هیوم مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی بر اثبات خدا چیست؟ نقد او درباره این برهان چیست؟

(نهایی: خرداد ۹۹، دی ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۱)

کله پاسخ: مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی را برهان نظم می‌داند. می‌گوید این برهان توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. از دلایل ناتوانی

آن: فقط حداکثر یک ناظم و مدبر را اثبات می‌کند نه یک خدا را که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد.

۲۶- غیر از دیوید هیوم، سایر تجربه‌گرایان چه اعتقادی درباره برهان نظم داشتند؟

کله پاسخ: تجربه‌گرایان دیگر، عموماً به خدا اعتقاد داشتند و برهان نظم را معتبر دانسته و در اثبات خدا به کار می‌بردند.

۲۷- روش کانت در اثبات خدا چه تفاوتی با روش سایر فیلسوفان عقل‌گرا داشت؟

(نهایی: دی ۹۸، دی ۹۹، شهریور ۱۴۰۲)

کله پاسخ: راهی متفاوت با دکارت و سایر فیلسوفان عقل‌گرای پیشین برای اثبات خدا پیمود. به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علت یا وجوب و

امکان یا ضرورت وجود خدا، به اثبات خدا از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی پرداخت.

۲۸- استدلال کانت در ضرورت وجود خدا را بیان نمایید.

(نهایی: شهریور ۹۹، خرداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۲)

کله پاسخ: ۱. انسان وجدان اخلاقی دارد که او را دعوت به فضیلت و اصول اخلاقی می‌کند و می‌خواهد آنچه برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم بپسندد و به صورت یک قاعده، همواره این اصل را در زندگی پیاده کند.

۲. مسئولیت‌پذیری و اخلاق جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار بداند.

۳. اختیار نمی‌تواند ویژگی بدن مادی باشد بلکه باید ویژگی نفس غیرمادی و فناپذیر باشد. این بعد غیرمادی انسان بهره‌مند از وجدان اخلاقی است و درون خود فضایل را خوب و رذایل را بد می‌شمارد.

۴. روح مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اخلاق است چون غیرمادی و جاودانه است برای سعادت دائمی نیازمند جهانی ماوراء دنیای مادی است. چنین جهانی مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است.

نتیجه: قبول خدای پشتمانه اختیار و اراده انسان و مسئولیت‌پذیری او و تکیه‌گاه اصول اخلاقی مورد قبول او است. با پذیرش خدا است که زندگی انسان معنایی حقیقی و متعالی پیدا می‌کند و از پوچی و بی‌هدفی خارج می‌شود.

۲۹- تلاش کانت و دکارت درباره اعتقاد به خدا چه بود؟ این تلاش‌ها تا چه اندازه توانست موفقیت آمیز باشد؟

(نهایی: دی ۹۸)

کله پاسخ: کانت و دکارت معتقد بودند در صورتی زندگی معنادار خواهد شد که از پشتمانه قبول خدا برخوردار باشد لذا تلاش می‌کردند پایه‌های عقلی اعتقاد به خدا را

استوار سازند اما تفکر حسی و حس‌گرایی رشد کرد و تلاش این دو توانست چندان مؤثر باشد.

۳۰ - نتیجه رشد تفکر حس گرایی در اروپا چه بود و چه تأثیری در اعتقاد به خدا نهاد؟ درباره چگونگی این تأثیر گذاری توضیح دهید.

کله پاسخ: نتیجه رشد تفکر حسی و حس گرایی و ظهور فیلسوفانی که جهان را انسان را مادی می شمردند ← سست کردن پایه های اعتقاد به خدا و تحت تأثیر قرار دادن مردم. چگونگی این تأثیر گذاری ← معنای زندگی به اهداف مادی محدود شد و زندگی فاقد جنبه های متعالی شد. ← پدید آمدن بحران معناداری

۳۱ - چند تن از فیلسوفان قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی که از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای خدا استفاده کردند نام ببرید.

(نهایی: شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۲)

کله پاسخ: کرگور (فیلسوف دانمارکی، قرن ۱۹)، ویلیام جیمز (فیلسوف آمریکایی، قرن ۱۹ و ۲۰) و برگسون (فیلسوف فرانسوی، قرن ۲۰)

۳۲ - ویلیام جیمز چه نظری درباره دلیل وجود خدا دارد؟ توضیح دهید.

کله پاسخ: من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. مثلاً هریک از ما احساس می کنیم که در هنگام سخن گفتن با خدا و راز و نیاز با او و توصیف عاشقانه او به نوعی از تعالی و معنویت منتقل می شویم که ساعاتی قبل از آن تهی بوده ایم. ما در لحظه های حضور، زندگی را متعالی و برتر می یابیم.

۳۳ - اعتقاد کرگور درباره خدا را بیان نمایید.

کله پاسخ: معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خدا به انسان عطا می کند. خدا، مؤمن را برگزیده به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود زندگی تاریکی دارد.

۳۴ - بحران معناداری زندگی منجر به چه نتیجه ای در قرن ۲۰ و ۲۱ میلادی شد؟

کله پاسخ: باعث ظهور فیلسوفانی شد که درعین اعتقاد راسخ به خدا به جای ذکر دلایل اثبات وجود خدا، به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کردند و نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلأ معنایی و پوچی آزار دهنده ای می شود.

۳۵ - منظور از زندگی معنادار چیست؟

کله پاسخ: یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.

۳۶ - درباره کاتینگهام و اعتقاد او درباره خدا و معنای زندگی توضیح دهید.

کله پاسخ: قبول خدا: ۱. زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد. ۲. این امید را می دهد که به جای احساس افتادن در جهانی بیگانه که هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می توانیم مأمن و پناهگاهی بیابیم. در کتاب خود اشاره می کند که پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی فیلسوفان درصدد معرفی خدا به عنوان عامل اصلی معنابخشی به زندگی بودند.

سوالات خط به خط درس ششم

۱ - اعتقاد به خدا در فرهنگ ایران باستان چگونه اعتقادی بوده است؟

کله پاسخ: اعتقاد به خدا به عنوان خالق هستی که جهان را براساس حکمت و عدل آفریده، در فرهنگ ما سابقه دیرینه دارد و گزارش های تاریخی و داستان های اسطوره ای از ایران قبل از باستان، یعنی پیش از حکومت مادها و هخامنشیان نشانگر باور و اعتقاد به چنین خدایی است.

۲ - سهروردی درباره اعتقاد فیلسوفان ایران باستان درباره خدا چه گزارشی ارائه داده است؟

کله پاسخ: سهروردی، فیلسوف بزرگ دوره اسلامی معتقد است که حکمای قبل از ایران باستان علاوه بر حکمت با عرفان هم آشنا بودند و خدا را نور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده ها را خلق می کند و ظاهر می سازد. آنان خداوند را نورالانوار می نامیدند.

۳- بحث فیلسوف تا چه زمانی یک بحث فلسفی محسوب می‌شود؟

کج پاسخ: بحث فیلسوف درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفی (استدلال عقلی محض) تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

۴- آیا فیلسوف لزوماً نباید دارای هیچ عقیده‌ای باشد؟ توضیح دهید.

(نهایی: شهریور ۱۴۰۰)

کج پاسخ: دکارت و کانت با اینکه مسیحی بودند اما با روش فلسفی به اثبات خدا پرداختند. ابن سینا و فارابی هم در کتب خود با روش عقلی درباره اثبات خدا سخن گفته‌اند. پس فیلسوف کسی نیست که هیچ دین و آیینی ندارد. فیلسوف معتقد به خدا نیز از طریق قواعد فلسفی و استدلال، به خدا اعتقاد پیدا کرده و از همین طریق از عقیده خود دفاع می‌کند.

۵- نظر فیلسوفان مسلمان درباره امکان اثبات وجود خدا را در مقایسه با فلاسفه اروپایی توضیح دهید.

(نهایی: خرداد ۹۹)

کج پاسخ: فیلسوفان مسلمان از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر نظرشان بر این است که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. فلاسفه مسلمان سعی کرده‌اند استدلال‌های طرح شده را با بیانی بسیار دقیق، توضیح دهند یا استدلالی جدید ارائه کنند.

۶- استدلال فارابی بر محال بودن تسلسل نامتناهی علل را بیان نمایید.

کج پاسخ: مقدمه ۱: اگر معلولی که اکنون موجود است معلول علتی باشد که آن علت هم معلول علتی دیگر باشد و سلسله این علت و معلول‌ها اگر تا بی‌نهایت پیش برود، تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید.

مقدمه ۲: تسلسل علل نامتناهی محال است (هیچ‌گاه پیش نمی‌آید) نتیجه: سلسله علت‌ها و معلول‌ها تا بی‌نهایت نمی‌رود.

۷- از نظر فارابی علت محال بودن تسلسل علل نامتناهی چیست؟

(نهایی: شهریور ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲)

کج پاسخ: اگر بخواهد سلسله علت‌ها تا بی‌نهایت به عقب برود و هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، آغاز و ابتدایی در کار نخواهد بود و اصلاً چیزی پدید نمی‌آید تا نوبت به معلول کنونی برسد. به عبارت دیگر: نتیجه بی‌نهایت بودن تعداد علت‌ها ← وجود بی‌نهایت پدیده، قبل از معلول کنونی؛ که چنین چیزی محال است.

۸- برای استدلال فارابی یک مثال بیان نمایید.

کج پاسخ: اگر بخواهیم تعدادی آجر را روی سطحی صاف به صورت مورب قرار دهیم باید اولین آجر به یک ستون تکیه کند.

۹- استدلال فارابی در اثبات وجود خدا مبتنی بر چه اصلی است؟

(نهایی: خرداد ۱۴۰۱)

پاسخ: محال بودن تسلسل نامتناهی علل

۱۰- استدلال فارابی در اثبات وجود خدا را بیان نمایید.

(نهایی: خرداد ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰)

کج پاسخ: مقدمه ۱: در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست (معلول چیزهای دیگرند)

مقدمه ۲: هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می‌دهد. (یعنی فقط اگر علت باشد، معلول هم بوجود می‌آید)

مقدمه ۳: اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم معلول علتی دیگر است و به جایی ختم نشود، تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید که محال است.

∴ نتیجه: سلسله علت‌های جهان منتهی به علتی می‌شود که خودش نیازمند علتی نیست.

۱۱- ابن سینا چه اعتقادی درباره برهان فارابی در اثبات خدا دارد و خودش چه تلاشی در این زمینه داشته است؟

کج پاسخ: ابن سینا برهان فارابی را درست و کامل می‌داند اما می‌کوشد با استفاده از دو مفهوم وجوب و امکان، برهان کامل‌تری ارائه کند.

۱۲- استدلال ابن سینا در اثبات وجود خدا (برهان وجوب و امکان) را بیان نمایید.

(نهایی: شهریور ۹۹، خرداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۰)

کج پاسخ: مقدمه ۱: موجودات جهان، در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی هستند. (می‌توانند باشند، می‌توانند نباشند) (ذاتاً ممکن)

مقدمه ۲: ممکن بالذات برای اینکه از حالت تساوی وجود و عدم خارج شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است. (موجودی که وجود، ذاتی اوست)

∴ موجودات جهان، به واجب الوجودی بالذات وابسته‌اند تا آنها را از حالت امکانی خارج کند.

۱۳- طبق نظر ابن سینا، محدود بودن یا نبودن تعداد موجودات جهان یا مجموعه بودن یا فرد بودن آنها چه تأثیری در ممکن الوجود بودن آنها دارد؟ او موجودات جهان را چه نامیده است؟
(نهایی: فرداد ۹۹)

پاسخ: بنابر بیان ابن سینا، اشیای جهان، چه تعدادشان محدود باشد چه نامحدود چه کل آنها را یک مجموعه در نظر بگیریم چه به فرد فرد آنها توجه کنیم، چون ذاتاً ممکن الوجود هستند به واجب الوجود بالذات نیاز دارند که آنها را از حالت امکانی خارج و وجود برایشان ضروری شود. ابن سینا نام آنها را واجب الوجود بالغیر نامیده است.

۱۴- فلاسفه بعد از ابن سینا، برهان او در اثبات واجب الوجود را چگونه برهانی می دانستند؟ چه نامی برای آن برگزیدند؟

پاسخ: بعد از ابن سینا، فلاسفه، برهان او را در اثبات واجب الوجود برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خدا دانسته و آن را «برهان وجوب و امکان» نامیده اند.

۱۵- توماس آکوئیناس در رابطه با برهان وجوب و امکان ابن سینا چه کرد؟

پاسخ: توماس آکوئیناس که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سینا تبعیت می کرد، این برهان را در اروپا گسترش داد که مورد قبول بسیاری قرار گرفت.

۱۶- در جهان اسلام چه فلاسفه ای از برهان ابن سینا استفاده کردند؟ چه کسی آن را ارتقا بخشید؟

پاسخ: فلاسفه ای مانند بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی از این برهان استفاده کرده اند. ملاصدرا، این برهان را ارتقا بخشید.

۱۷- منظور از نظریه امکان فقری (فقر وجودی) ملاصدرا چیست؟
(نهایی: فرداد ۹۹، شهریور ۹۹، دی ۹۹، دی ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۱)

پاسخ: ملاصدرا براساس مبانی فلسفی خود بیان کرد که همه موجودات عین وابستگی هستند و «وابستگی» و «نیازمندی به غیر» سراسر وجود واقعیات را گرفته است. او نام این وابسته بودن را «امکان فقری» نامید.

۱۸- ملاصدرا بر اساسی نظریه امکان فقری چگونه وجود خدا را اثبات می کند؟
(نهایی: شهریور ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: مقدمه ۱: وقتی به موجودات پیرامون خود نگاه می کنیم می بینیم که وجودشان عین وابستگی و نیاز به دیگری است.
مقدمه ۲: موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشد که در ذات خود، نیازی به غیر نداشته باشد.
نتیجه: موجودات جهان، وابسته به وجودی بی نیاز و غیروابسته (غنی بالذات) هستند.

۱۹- ملاصدرا وجود را چند گونه می داند؟
(نهایی: فرداد ۱۴۰۱)

پاسخ: بنابر نظر ملاصدرا، وجود دو گونه است: ۱. وجود بی نیاز و غیروابسته ۲. وجودهای نیازمند و وابسته

۲۰- جهان هستی طبق نظریه امکان فقری، چگونه جهانی است؟
(نهایی: فرداد ۱۴۰۰)

پاسخ: جهان طبق نظریه امکان فقری، یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود استقلالی ندارد. اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور آنها خاموش می شود.

۲۱- فلاسفه مسلمان تأثیر اعتقاد به خدا را در زندگی انسان به چه چیزی تشبیه می کنند؟ توضیح دهید.
(نهایی: دی ۱۴۰۱، فرداد ۱۴۰۲)

پاسخ: فلاسفه مسلمان تأثیر اعتقاد به خدا در معنابخشی به حیات بشری را شبیه به وجود و نقش آب در حیات جسمانی می دانند. بشر ابتدا از طریق حواس پی به وجود آب می برد و آن را واقعی می یابد؛ سپس این آب واقعی را می نوشد و اینجاست که سیراب می شود. موضوع خدا نیز اینگونه است؛ یعنی ابتدا باید وجود خدا را از طریق عقل پذیرفت و سپس با او ارتباط معنوی برقرار کرد و یک زندگی معنادار را سامان داد.

۲۲- طبق دیدگاه فلاسفه مسلمان، اعتقاد به چگونه خدایی می تواند به زندگی معنا دهد؟

پاسخ: اعتقاد به خدایی می تواند به زندگی معنا دهد و انسان را به مرتبه ای برتر از زندگی وارد کند، که واقعا او را از یک راه معقول و درست پذیرفته باشد. (هرکس به اندازه قدرت فکری خودش) فیلسوف الهی با پذیرش وجود خدا، از معیارهای زندگی برتر برخوردار می شود.

۲۳- معیارهای یک زندگی معنادار از نظر فیلسوف مسلمان چیست؟ اهمیت این معیارها تا چه حد است؟

(نهایی: دی ۹۸، فررداد ۹۹، شهریور ۹۹، دی ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۲)

- کله پاسخ: ۱. جهان را غایتمند یافتن و آن را توضیح دادن؛
 ۲. انسان را موجودی هدفمند دانستن و مشخص کردن این هدف؛
 ۳. قائل شدن گرایش به خیر و زیبایی برای انسان و این که خیر و زیبایی خیالی نیست و در یک حقیقت متعالی وجود دارد؛
 ۴. درست و معتبر دانستن آرمان‌های مقدس و فراتر از زندگی مادی؛
 ۵. احساس تعهد و مسئولیت در برابر یک وجود متعالی و برتر.
 میزان اهمیت این معیارها در حدی است که اگر فیلسوفی نتواند وجود چنین خدایی را اثبات کند، امکان پذیرش پنج گزاره فوق را از دست می‌دهد.

۲۴- در بیان ابن سینا در اثبات خدا، چگونه می‌توان معیارهای پنجگانه یک زندگی معنادار را مشاهده کرد؟

کله پاسخ: ابن سینا که وجود خدا را با دلایل فلسفی اثبات کرد در عین حال توصیفی مبتنی بر عشق از رابطه خدا، جهان و انسان ارائه می‌دهد که می‌تواند برخی از عناصر پنج‌گانه زندگی معنادار را تأمین کند.

۲۵- ابن سینا چه تعریف و تعبیری از «عشق» دارد؟

کله پاسخ: هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و برحسب فطرت، از بدی‌ها گریزان است. این اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق نام دارد.

۲۶- بیان ابن سینا درباره عشق نشان دهنده چیست؟

کله پاسخ: این بیان ابن سینا نشان می‌دهد عشق به خیر و زیبایی اختصاص به انسان ندارد و هر موجودی در این جهان بهره‌مند از جاذبه عشق الهی است و اوست که چنین عشقی را در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده است.

سوالات خط به خط درس هفتم**۱- هریک از مفاهیم «ایمان»، «عشق و شهود» و «عقل» تداعی‌گر چه چیزی هستند؟**

کله پاسخ: مفهوم «دین» با «ایمان» گره خورده و مفهوم «عرفان» با «شهود و عشق» و مفهوم «فلسفه» با «عقل و عقلانیت».

۲- چه ارتباطی میان «عقل» و «فیلسوف» وجود دارد؟

کله پاسخ: معمولاً از فیلسوفان به عنوان مهم‌ترین مدافعان عقل یاد می‌کنند و به تمایز انسان از حیوان را عقل دانسته و «ناطق» در تعریف «انسان» به «حیوان ناطق» همان «عاقل» است.

۳- تاریخ فلسفه با تاریخ عقل چگونه پیوندی داشته است؟

کله پاسخ: تاریخ فلسفه با تاریخ عقل پیوندی ناگسستنی دارد و تحولات معنا و محدوده عقل، در تحولات فلسفه تأثیر گذاشته است.

۴- دو معنا و کاربرد عقل از نظر فلاسفه را نام ببرید.

کله پاسخ: ۱- عقل به معنای دستگاه تفکر و استدلال. ۲- عقل به عنوان موجودی متعالی و برتر از ماده.

۵- انسان با قدرت عقل خود چه فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد؟

- کله پاسخ: عقل یک توانمندی در انسان است که به کمک آن:
 ۱. استدلال می‌کند و از طریق آن به دانش‌هایی می‌رسد.
 ۲. با عقل درمی‌یابد چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست.
 ۳. چه کاری خوب است و باید انجام دهد و چه کاری بد است و نباید انجام دهد.
 ۴. پی می‌برد کدام سخن و رفتار درست و کدام نادرست است.
 ۵. می‌تواند بداند کدام دین و مکتب سعادت‌بخش است.

۶- از نظر فیلسوفان، توانمندی عقل چگونه توانمندی‌ای است؟ این توانمندی در کودکی چگونه است و چگونه به فعلیت می‌رسد؟

پاسخ: از نظر فیلسوفان، این ابزار یک توانمندی فوق‌العاده است، ابتدای کودکی به صورت یک استعداد وجود دارد که باید با تربیت و تمرین به فعلیت برسد و کودک توانایی استدلال و تفکر را به دست آورد.

۷- از نظر فیلسوفان، در چه صورت عقل توانایی لازم را نمی‌تواند کسب کند؟

پاسخ: اگر «تربیت عقلانی» به خوبی صورت نگیرد، عقل به توانایی لازم نمی‌رسد و نمی‌تواند به خوبی حق را از باطل و درست را از نادرست تشخیص دهد.

۸- از نظر فیلسوفان، آیا توانایی تعقل در افراد یکسان است؟ توضیح دهید.

پاسخ: توانایی افراد در تعقل متفاوت است؛ برخی قوی‌تر و برخی ضعیف‌تر هستند. اما همه می‌توانند با تمرین به درجات خوبی از عقلانیت دست یابند.
* پس انسان برای تشخیص سخن درست و حق از باطل، کار خوب از بد، راه درست از نادرست، پیشرفت علمی، مشخص نمودن دین حق از باطل و تصمیم‌گیری درست، در مرتبه اول باید از عقل خود استفاده کند. انتخاب افراد به عنوان مشاور یا کتاب برای مطالعه همگی به مدد عقل است.

۹- چرا معمولاً فلسفه را با عقل و استدلال عقلی همراه می‌دانند؟

پاسخ: زیرا دانش فلسفه با استدلال‌های عقلی محض سر و کار دارد و استفاده از عقل در این دانش از سایر دانش‌ها بیشتر است.

۱۰- ویژگی‌های موجودات عالم عقل را بیان نمایید.

پاسخ: ۱. موجوداتی که از جسم و ماده مجرند. ۲. در قید زمان و مکان نیستند. ۳. در افعال خود به ابزار مادی نیاز ندارند. ۴. با حواس ظاهری قابل مشاهده نیستند. ۵. علمشان شهودی است و به استدلال نیاز ندارند.

۱۱- منظور از «عالم عقل» چیست؟ فیلسوفان چه اعتقادی درباره موجودات «عالم عقل» دارند؟

پاسخ: بسیاری از فلاسفه به عوالم دیگری اعتقاد دارند که با حواس ظاهری قابل درک نیست. یکی از این عالم‌ها «عالم عقل» است. فیلسوفان الهی می‌گویند بسیاری از فرشتگان که در کتب آسمانی به خصوص قرآن، از آنها یاد شده، همین موجودات عقلانی، یعنی همین موجودات مجرد از ماده و جسم هستند.

۱۲- طبق اعتقاد فیلسوفان، علم موجودات عقلانی چگونه است؟

پاسخ: علم این موجودات از طریق استدلال و مفاهیم نیست بلکه فرشتگان (عقول) حقایق اشیاء را شهود می‌کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

۱۳- به اعتقاد فلاسفه الهی، روح انسان چگونه می‌تواند از ماده مجرد شود و بسیاری از حقایق را شهود نماید؟

پاسخ: آنان معتقدند روح انسانی استعداد رسیدن به چنین مرتبه‌ای از عقل به عنوان یک حقیقت متعالی را دارد و می‌تواند با تهذیب نفس به مرتبه‌ای برسد که کاملاً از ماده مجرد شود و در عین برخورداری از استدلال، مانند عقل، حقایق را شهود کند.

۱۴- کدام کاربرد عقل بیشتر در فلسفه استفاده شده است؟

پاسخ: آنچه بیشتر کاربرد دارد، معنای اول عقل است. (دستگاه تفکر و تعقل).

۱۵- در میان فیلسوفان یونان باستان، درباره اعتقاد هر اکلیتوس درباره عقل توضیح دهید.

(نهایی: دی ۹۸، فررداد ۹۹، دی ۹۹، فررداد ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، فررداد ۱۴۰۱)

پاسخ: از حقیقتی به نام «لوگوس» یاد می‌کند. هم به معنای «عقل» به عنوان حقیقت متعالی است و هم به معنای نطق و سخن و کلمه؛ پس می‌توان گفت او به هر دو کاربرد عقل توجه داشت. «کلمه» و «سخن» نزد او ظهور عقل متعالی و برتر است همانطور که کلمه بیانگر افکار انسان است و آنچه در ذهن دارد با کلام ظاهر می‌سازد. جهان و اشیاء نیز ظهور آن وجود و حقیقت متعالی هستند.

۱۶- ارسطو به کدام کاربرد عقل توجه بیشتری داشت و چه توضیحی در این زمینه ارائه داد؟ (نهایی: فررداد ۹۹، فررداد ۱۴۰۰)

پاسخ: ارسطو به عقل به عنوان قوة استدلال انسان، توجه ویژه‌ای داشت. عقل را براساس کاری که انجام می‌دهد به عقل نظری و عقل عملی تقسیم کرد. دانش بشری را نیز بر همین اساس دو قسم کرد: علم نظری و علم عملی.

۱۷- منظور از «عقل نظری» و «علم نظری» چیست؟

(نهایی: شهریور ۹۹، دی ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، فررداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۱، فررداد ۱۴۰۲، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: عقل از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می‌کند، عقل نظری نامیده می‌شود. مانند بحث درباره خدا، کهکشان و درجه حرارت آب، و دانشی که از این جهت به دست می‌آید، علم نظری نام دارد.

۱۸- منظور از «عقل عملی» و «علم عملی» چیست؟

(نهایی: شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، فررداد ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱، فررداد ۱۴۰۲، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و باید‌ها و نبایدهای او بحث می‌کند، عقل عملی نام دارد، مانند اینکه باید راست بگویید یا دروغ بگویید. نباید ظلم کند. دانشی که از این جهت به دست می‌آید، علم عملی نام دارد.

۱۹- ارسطو در منطق، چه توضیحاتی را درباره استدلال و عقل مطرح کرد؟ (نهایی: دی ۹۸)

پاسخ: ارسطو انواع استدلال را در بخش منطق آثار خود بیان کرد، استدلال تجربی را از عقلی محض جدا کرد. کاربرد هریک را روشن ساخت. انسان را با مفهوم حیوان ناطق تعریف کرد که مقصود از نطق همان تفکر است. عقل را ذاتی انسان می‌دانست.

۲۰- تحولاتی که عقل در دوره جدید اروپا داشته مربوط به چه زمانی است و عمدتاً چگونه بوده است؟ (نهایی: دی ۱۴۰۱)

پاسخ: تحولاتی را که در این دوره گذرانده در دوره جدید اروپا یعنی از رنسانس تاکنون، عمدتاً مربوط به حدود توانایی‌های عقل است.

۲۱- در ابتدای رنسانس، عقل چه جایگاهی در اروپا داشت؟

پاسخ: در ابتدای رنسانس که در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار درستی و نادرستی عقاید تلقی شد.

۲۲- در دوره حاکمیت اولیه کلیسا (حدود قرن ۳ تا ۹ میلادی)، عقل چه جایگاهی در اروپا داشت؟

(نهایی: دی ۹۸، شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱، فررداد ۱۴۰۲، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: بزرگان کلیسا دخالت عقل را عامل تضعیف ایمان دانسته و برخی عقل را امری شیطانی پنداشته و برابر استدلال عقلی می‌ایستادند و ایمان قوی را از آن کسی می‌دانستند که در برابر شبهه‌های عقلی بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

۲۳- عقل در دوره دوم حاکمیت کلیسا (قرن ۱۰ تا ۱۳ میلادی) چه جایگاهی پیدا کرد و منجر به چه نتیجه‌ای شد؟

(نهایی: فررداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، فررداد ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱، فررداد ۱۴۰۲)

پاسخ: فلاسفه مسیحی تحت تأثیر کتب ابن سینا و ابن رشد و سایر فلاسفه مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما به دلیل ناسازگاری با مبانی اولیه کاتولیک، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد و در رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین حاشیه رفت.

۲۴- فرانسیس بیکن چه روشی را بهترین روش برای پیشرفت می‌دانست و چه درخواستی از فیلسوفان داشت؟

(نهایی: دی ۱۴۰۱، فررداد ۱۴۰۲)

پاسخ: روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می‌دانست و از فیلسوفان خواست که از بت‌هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته‌اند دست برداشته و فقط به آنچه از تجربه بدست آمده تکیه کنند.

۲۵- تجربه و عقل در دیدگاه هیوم چه جایگاهی دارد؟
پاسخ: تجربه را تنها راه رسیدن انسان به دانش و معرفت دانست و کاملاً از عقل‌گرایان جدا شد.

۲۶- اعتقاد «دکارت» درباره عقل را توضیح دهید.
پاسخ: دکارت همه توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و تجربه را توجه داشت. معتقد بود عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد و اختیار را با استدلال اثبات کند. عقل به عنوان یک حقیقت برتر در جهان و در انسان آن‌گونه که فلاسفه یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده‌ای نداشت و عقل را صرفاً دستگاه تفکر منطقی استدلال می‌دانست.

۲۷- طبق اعتقاد اوگوست کنت، کار عقل در فلسفه چگونه است؟
پاسخ: کنت به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند و گفت که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.

۲۸- طبق اعتقاد کنت، عقل چگونه به واقعیت دست می‌یابد و به علم می‌رسد؟
پاسخ: از نظر او عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می‌شود به واقعیت دست می‌یابد و به «علم» می‌رسد. عقل فقط از طریق علم تجربی می‌تواند به شناخت واقعیت نایل شود.

۲۹- دیدگاه اوگوست کنت درباره کارکرد عقل در چه مسائلی تأثیر گذاشت؟
پاسخ: ۱. توانایی عقل محدود به امور تجربی و حسی گردید (تقلیل عقل، به عقل تجربی)
 ۲. اثبات اموری مانند ماوراء الطبیعه و حقیقت روحی و معنوی انسان و جهان ناممکن شمرده شد.
 ۳. محدود شدن رد و اثبات منطقی و عقلی به حوزه ریاضیات.

سوالات خط به خط درس هشتم

۱- عقل‌گرایی و خردورزی در دوره ایران باستان چه جایگاهی داشت؟

پاسخ: ایران، در عهد پیش از باستان نیز یکی از کانون‌های اولیه عقل‌گرایی و خردورزی بوده است و حکیمان قدیم ایران، مردم را به عقل و خرد دعوت می‌کردند.

۲- گزارش فردوسی در شاهنامه و سهروردی در «حکمة الاشراق» درباره جایگاه عقل در ایران باستان، نشان دهنده چیست؟

(نهایی: دی ۹۸، دی ۹۹، خرداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۱)

پاسخ: نشان دهنده آن است که حکیمان آن زمان هم از عقل به عنوان یک وجود برتر و متعالی آگاه بوده‌اند و خدا را عقل نامیده‌اند و هم به عقل به عنوان دستگاه تعقل و خردورزی اهمیت می‌داده‌اند. در اندیشه آنان، آفریدگار، مجموعه جهان را با عقل و خرد خود رهبری می‌کند و «خدا جهان را براساس خرد می‌آفریند». آنان می‌گفتند که «مزد» که نام خدای جهان آفرین است، با خرد و اندیشه جان‌ها و جهانیان و خرد انسان‌ها را آفریده است.

۳- خردورزی ایران باستان در دوره ساسانیان چه جایگاهی پیدا کرد؟

پاسخ: این خردورزی به تدریج از قدرتش کاسته شد و در عصر ساسانیان و اواخر این عصر به ضعف گرایید، به طوری که مواردی از عقاید غیرعقلانی در فرهنگ و نظام اجتماعی آنان پدیدار شد.

۴- با مطالعه تاریخ علوم اسلامی متوجه چه مطلبی درباره علوم عقلی و بخصوص فلسفه می‌شویم؟

پاسخ: با مطالعه تاریخ تمدن اسلامی در می‌یابیم که در این تمدن، علوم عقلی و بخصوص فلسفه گسترش فراوان و رشد چشمگیری داشته و فیلسوفانی را مشاهده می‌کنیم که شهرت جهانی دارند و در طراز چند فیلسوف اول تاریخ شمرده می‌شوند.

۵- چرا در فرهنگ عمومی مسلمانان، عقل جایگاه ممتاز و ویژه‌ای بدست آورده است؟

کلمه پاسخ: کمتر شخصیتی در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنیم که در بزرگداشت عقل سخن نگفته باشد یا با عقل ستیز کرده باشد. یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر(ص) و امامان(ع) است. به همین دلیل عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه‌ای دارد.

۶- جایگاه ممتاز عقل در میان مسلمانان منجر به چه نتیجه‌ای شد؟

کلمه پاسخ: سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم در حوزه‌های مختلف شد به خاطر همین جایگاه، مخالفت مستقیم و صریح با عقل کمتر صورت می‌گرفت و کسی علیه عقل سخن نمی‌گفت.

۷- مخالفت جریانهای فکری با عقل، در جهان اسلام به چند شکل بوده است؟ بیان نمایید.

(نهایی: فرداد ۱۴۰۰، فرداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲)

کلمه پاسخ: مخالفت با عقل، به دو شکل عمده ظهور کرد: ۱. تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن. ۲. مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی.

۸- به چه دلیل برخی جریانهای فکری در جهان اسلام، در عین پذیرش عقل، دایره اعتبار آن را محدود می‌کردند؟

(نهایی: شهریور ۱۴۰۰، فرداد ۱۴۰۲)

کلمه پاسخ: این جریان‌ها می‌کوشیدند نشان دهند برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارد و کسانی که از این روش‌ها استفاده می‌کنند، مرتکب خطا می‌شوند و به دین آسیب می‌رسانند.

۹- دلیل مخالفت برخی جریانهای فکری در عالم اسلام با فلسفه و منطق چه بود؟

(نهایی: شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۱)

کلمه پاسخ: این شکل مخالفت با عقل به صورت مخالفت با فلسفه که بالاترین مرحله تعقل است، ظهور کرد. از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام همواره کسانی گفته‌اند که دانش فلسفه از یونان وارد اسلام شده و دربردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و با عقاید اسلامی سازگار نیست.

۱۰- پاسخ فلاسفه به کسانی که فلسفه را به دلیل یونانی بودن، با عقاید اسلامی سازگار نمی‌دانستند، چیست؟

(نهایی: فرداد ۹۹، دی ۹۹، دی ۱۴۰۰)

کلمه پاسخ: ۱. بسیاری از آراء فیلسوفانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطو با آموزه‌های اسلامی سازگاری دارد. ۲. فلسفه، دانش است و هر فردی از هر ملت و نژادی می‌تواند وارد این شاخه از معرفت شود و درباره مسائل آن که مربوط به هستی‌اشیاست بیندیشد. ۳. دانش فلسفه به معنی پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست بلکه به معنای بحث استدلالی درباره حقیقت‌اشیاست. همانطور که در هر دانشی می‌توان از آراء دیگران استفاده نمود، در این دانش نیز بهره‌گیری از دستاوردهای دیگر ضروری است و با نقد و بررسی است که می‌توان قدم بیشتر در این دانش برداشت زیرا در درستی یا نادرستی یک دانش فقط استدلال است که داور می‌کند نه یونانی یا ایرانی یا چینی بودن آن.

۱۱- فیلسوفان مسلمان کدام کاربرد عقل را قبول داشته‌اند؟

کلمه پاسخ: فیلسوفان مسلمان از فارابی تا علامه طباطبایی(ره) و سایر فیلسوفان عصر حاضر، درباره هر دو کاربرد عقل سخن گفته و کتاب‌ها نوشته‌اند.

۱۲- بیان فیلسوفان مسلمان درباره اثبات موجودات عقلانی، چه تفاوتی با بیان فلاسفه یونان باستان دارد؟

کلمه پاسخ: فیلسوفان مسلمان، روشن‌تر و دقیق‌تر از فلاسفه یونان باستان مرتبه‌ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده‌اند.

۱۳- منظور ابن‌سینا و فارابی از عقل اول و عالم عقول چیست؟

(نهایی: شهریور ۱۴۰۰، فرداد ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱)

کلمه پاسخ: ابن‌سینا و فارابی اولین مخلوق خدا را عقل اول می‌دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده‌اند. عالم عقول: موجودات مجرد فوق عالم طبیعت‌اند و فیض خدا از آنها به عوالم دیگر می‌رسد. (غیر این عقل تو حق را عقل‌هاست / که بدان تدبیر اسباب سماست)

۱۴ - فیلسوفان مسلمان دربارهٔ ارتباط عقل انسان با عقل، چه عقیده‌ای دارند؟ (نهایی: دی ۹۸)

پاسخ: آنان می‌گویند عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می‌دهد نیز پرتوی از همان عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می‌تواند حقایق را آن گونه که عقل درک می‌کند، بیابد و مشاهده کند.

۱۵ - منظور از «عقل فعال» چیست؟ دربارهٔ عملکرد و وظیفهٔ آن توضیح دهید. (نهایی: شهریور ۹۹، دی ۹۹، خرداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: یکی از عقول عالم عقل «عقل فعال» نام دارد؛ این عقل، عامل فیض رسانی به عقل انسان‌هاست. یعنی: ۱. تمام ادراک‌ها و دانش‌های انسان به مدد این عقل صورت می‌گیرد. ۲. انسان مفاهیم کلی را می‌فهمد و درک می‌کند. این مدرسانی در باطن وجود انسان صورت می‌گیرد و برای خود انسان محسوس نیست.

۱۶ - فارابی، مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان را با چه تشبیهی بیان داشته است؟

(نهایی: دی ۹۸، شهریور ۹۹، خرداد ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۱)

پاسخ: فارابی می‌گوید: مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان طور که آفتاب نوربخشی می‌کند تا چشم انسان ببیند و بینای بالفعل شود، عقل فعال نیز نخست چیزی در قوهٔ عقلی آدمی افاضه می‌کند؛ به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می‌شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می‌کند و به ادراک حقایق ناظر می‌شود.

۱۷ - عقیدهٔ عموم فیلسوفان مسلمان دربارهٔ راه‌های شناخت عقلی به چه صورت است؟

پاسخ: عموم فیلسوفان مسلمان همهٔ راه‌های عقلی شناخت و انواع استدلال‌ها (تجربی، تمثیل، برهان عقلی محض) را در جای خود روشی درست برای کسب دانش می‌دانند.

۱۸ - فلاسفهٔ مسلمان و همچنین ابن‌سینا دربارهٔ شرط پذیرش هر نظر و مکتبی چه مطلبی را بیان داشته‌اند؟

پاسخ: فلاسفهٔ مسلمان می‌گویند: (ما فرزندان دلیل هستیم) و هر نظر و مکتب و آیینی را که دلایل استوار عقلی داشته باشد، می‌پذیریم. ابن‌سینا: «هرکس عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است»

۱۹ - طبق اعتقاد فارابی و ابن‌سینا، عقل در هنگام تولد چگونه است و به چه صورت کامل می‌شود؟ (نهایی: خرداد ۱۴۰۲)

پاسخ: فارابی و ابن‌سینا می‌گویند عقل در هنگام تولد به صورت یک استعداد است که باید تربیت شود تا رشد کند یعنی همانطور که جسم مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی دارد، عقل نیز با تربیت، مرحله‌ای را طی می‌کند و کامل می‌شود.

۲۰ - مراحل و مراتب عقل از نگاه فیلسوفان مسلمان را به ترتیب نام ببرید.

پاسخ: ۱. عقل هیولانی ۲. عقل بالملکه ۳. عقل بالفعل ۴. عقل بالمستفاد

۲۱ - منظور از «عقل هیولانی یا بالقوه» چیست؟ ادراک انسان در این مرحله به چه صورت است؟

(نهایی: خرداد ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۱)

پاسخ: اولین مرحلهٔ عقل است و در این هنگام انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد، مانند نوزادی که تازه متولد شده است.

۲۲ - منظور از «عقل بالملکه» چیست؟ ادراک انسان در این مرحله به چه صورت است؟

(نهایی: دی ۹۹، خرداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می‌کند. مثال: می‌داند یک چیز نمی‌تواند هم باشد هم نباشد. در این مرحله آمادگی دریافت علم را پیدا می‌کند و می‌تواند دانش‌ها را کسب کند.

۲۳- منظور از «عقل بالفعل» چیست؟ ادراک انسان در این مرحله به چه صورت است؟

(نهایی: فررداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۱، فررداد ۱۴۰۲، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: سومین مرحله عقل است. در این مرحله عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانش‌هایی را کسب کرده است.

۲۴- منظور از «عقل بالمستفاد» چیست؟ ادراک انسان در این مرحله به چه صورت است؟(نهایی: فررداد ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱، فررداد ۱۴۰۲)

پاسخ: چهارمین مرحله عقل است. در این مرحله انسان طوری بر دانش‌های کسب شده مسلط است که از هر کدام بخواهد می‌تواند استفاده کند. (مانند یک استاد)

۲۵- پذیرش هر اعتقادی نیازمند چیست؟ و از چه خصوصیتی برخوردار است؟(نهایی: شهریور ۱۴۰۱)

پاسخ: پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است. گرچه برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و دلیل هر کس به قدر توان فکری اوست.

۲۶- یک ایمان ارزشمند، چگونه ایمانی است؟

پاسخ: ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد و اگر چنین نباشد، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به کارهای غلط بکشانند.

۲۷- عقل چگونه می‌تواند به معارف قرآنی پی ببرد؟ چه فیلسوفانی از این قابلیت عقل استفاده نموده‌اند؟

پاسخ: عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است. ما به کمک عقل، در آیات می‌اندیشیم و با تفکر و تدبیر در آیات، به معارف قرآنی پی می‌بریم. فیلسوفان از جمله ملاصدرا و علامه طباطبایی کتاب‌های بسیار ارزشمندی در تفسیر قرآن نوشته‌اند و از این طریق به حقایقی دست یافته‌اند.

۲۸- آیا فلاسفه مسلمان راه کسب معرفت را به عقل منحصر می‌کنند؟ توضیح دهید.

پاسخ: گرچه اساس پذیرش هر اعتقادی را استدلال عقلی می‌دانند اما راه کسب معرفت را منحصر به عقل نمی‌کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر دانسته و برخی با تهذیب نفس سعی در رسیدن به معرفت شهودی دارند.

۲۹- وحی در دیدگاه فلاسفه مسلمان چگونه شهودی است؟(نهایی: دی ۹۹، فررداد ۱۴۰۲)

پاسخ: وحی را عالی‌ترین مرتبه شهود می‌شمارند که به پیامبران اختصاص دارد که انبیاء با آن به برترین دانش‌ها و معارف رسیده و در اختیار بشر قرار می‌دهند.

۳۰- طبق دیدگاه فیلسوفان مسلمان، سه راهی که ما را به حقیقت می‌رساند کدامند و چه ارتباطی با هم دارند؟

(نهایی: دی ۹۸، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، فررداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: از نظر فیلسوفان مسلمان استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت واحد می‌رسانند و تأیید کننده و کمک کننده به یکدیگر هستند.

۳۱- علت اینکه گاهی گمان می‌کنیم که میان دستاوردهای عقلی و داده‌های وحی تعارض وجود دارد، چیست؟

پاسخ: توانمندی محدود انسان و درست استفاده نکردن از عقل.

۳۲- برای رهایی از توهم و گمان تعارض میان دستاوردهای عقلی و داده‌های وحی، چه باید کرد؟(نهایی: دی ۱۴۰۱)

پاسخ: باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم، از دانش دیگران بهره ببریم تا از توهم و گمان تعارض میان یافته‌های عقلی و دستاوردهای وحیانی رها شویم.

سوالات خط به خط درس نهم

۱- از توجه و ورود به فلسفه در جهان اسلام چه مدت می‌گذرد این توجه نتیجه چیست؟

پاسخ: از توجه و ورود فلسفه به جهان اسلام ۱۳ قرن می‌گذرد. این توجه نتیجه یک «حیات عقلی» و «حیات علمی» بود که منجر به یک «حیات فلسفی» در جهان اسلام شد.

۲- «حیات عقلی» چگونه در یک جامعه شکل می‌گیرد؟

پاسخ: وقتی مردم یک جامعه به عقل و تفکر و اندیشه توجه کنند طوری که عقلانیت جزء فرهنگ عمومی جامعه در آید، «حیات عقلی» شکل می‌گیرد.

۳- آغاز «حیات علمی» و «حیات فلسفی» در یک جامعه چگونه است؟

پاسخ: حرکت به سوی دانش و رشد شاخه‌های مختلف علم را به دنبال دارد و حیات علمی آغاز می‌شود. یکی از شاخه‌های حیات علمی، حیات فلسفی است که به طور طبیعی، جمعی از اندیشمندان بدان خواهند پرداخت.

۴- اولین فیلسوف مسلمان که بود و چه تعداد کتاب و رساله داشته است؟

پاسخ: ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی، اولین فیلسوف مسلمان بود که حدود ۲۷۰ کتاب و رساله از خود به یادگار گذاشته است.

۵- زمینه‌های رشد فلسفه را بیان نمایید.

پاسخ: ۱. دعوت قرآن کریم و پیامبر(ص) به خردورزی؛ ۲. گسترش مباحث اعتقادی میان مسلمانان؛ ۳. نهضت ترجمه متون.

۶- وجود «حیات عقلی» در یک جامعه را به چه چیزی می‌توان تشبیه نمود؟

پاسخ: اگر رشد علم را به رشد گیاه تشبیه نماییم، اولین شرط، وجود زمین حاصلخیز است. حیات عقلی و احترام به عقل، در حکم زمین است.

۷- طبق گزارش مورخان علم، حیات تعقلی مسلمانان از چه زمانی آغاز شده است؟ چه عواملی این حیات را پایه‌گذاری کردند؟

(نهایی: دی ۹۹)

پاسخ: طبق گزارش مورخان علم، حیات عقلی مسلمانان با ظهور اسلام مقارن است. یعنی پیامبر(ص) و قرآن کریم، حیات عقلی را پایه‌گذاری کردند. ایشان برای ایجاد این حیات، از روش‌های خاص و بدیع استفاده کردند طوری که جامعه اسلامی زمان او در مدتی کوتاه به مرتبه ممتازی از حیات عقلی رسید.

۸- برخی از عوامل زمینه‌ساز حیات عقلی که در قرآن و سیره پیامبر(ص) مشاهده می‌شود، نام ببرید.

پاسخ: ۱. ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خردورزی؛ ۲. تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خردورزی؛ ۳. تکریم پیوسته عالمان و دانشمندان؛ ۴. طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کارگیری شیوه‌های مختلف استدلال؛ ۵. مذمت پیوسته نادانی طوری که ویژگی منفی تلقی شود؛ ۶. دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت‌ها و تمدن‌ها و استفاده از آن‌ها.

۹- بحث و گفت و گو در مباحث اعتقادی از چه زمانی آغاز شد و چگونه گسترش یافت؟

پاسخ: گفت‌وگو در مباحث اعتقادی، از همان عصر رسول خدا(ص) آغاز شد و به سرعت گسترش یافت.

۱۰- بیشتر گفت‌وگوها در مباحث اعتقادی از چه جنسی بودند و این بحث‌ها منجر به چه نتیجه‌ای شدند؟

پاسخ: این بحث‌ها که بیشترشان از جنس مباحث فلسفی است سبب شد در قرن اول دانشمندانی تربیت شدند که در روش عقلی و استدلالی در مسائل اعتقادی مانند اثبات وجود خدا، صفات خدا، ضرورت معاد و مسائلی مانند جبر و اختیار متبحر بودند و به تعلیم و کتابت مشغول بودند.

۱۱- درباره نهضت ترجمه به عنوان زمینه سوم رشد فلسفه در جهان اسلام، به اختصار توضیح دهید.

کله پاسخ: این نهضت که از قرن دوم شروع شد کمک شایانی در شکل‌گیری «حیات فلسفی» در جهان اسلام نمود. این نهضت **متحصر به فلسفه نبود** بلکه علوم مختلف از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، ادب، سیاست را هم شامل می‌شد. **نتیجه:** ترجمه کتب مختلف از زبان‌های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی.

۱۲- نهضت ترجمه متون تا چه اندازه در جامعه مسلمانان اهمیت داشت؟

کله پاسخ: اهمیت آن تا حدی بود که گفته‌اند حنین بن اسحاق (مترجم معروف) گاهی معادل وزن کتاب ترجمه کرده، طلا می‌گرفت.

۱۳- نتایج نهضت ترجمه، در رشته‌های مختلف دانش در میان مسلمین، چه بود؟

کله پاسخ: در این زمان مسلمانان معارف پیشینیان را یاد گرفتند و در تمامی رشته‌ها سرآمد ملت‌های زمان خود شدند. در فلسفه دانش فیلسوفان بزرگ یونان را آموختند و با نقد و بررسی آراء آن حکیمان، **نظام فلسفی نوینی** را سامان بخشیدند که هم از آراء افلاطون و به خصوص **ارسطو** برخوردار بود هم دربردارنده **اندیشه‌های جدیدی** بود که تا آن روز سابقه نداشت.

۱۴- چرا فلسفه اسلامی از همان ابتدا، صورت استدلالی قوی به خود گرفت؟

کله پاسخ: فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً استدلالی داشت و متکی بر آراء ارسطو بود و ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز بر قیاس برهانی تکیه می‌کرد. لذا صورت استدلالی قوی به خود گرفت.

۱۵- مؤسس حکمت مشاء در جهان اسلام چه کسی بود؟

(نهایی: فرداد ۱۴۰۱)

کله پاسخ: فارابی.

۱۶- چه عاملی فلسفه اسلامی را با ظریف‌ترین موشکافی‌ها آراست؟ چرا به آن حکمت مشاء گفته می‌شد؟

کله پاسخ: تلاش‌های محکم و استوار فارابی و نبوغ استدلالی ابن‌سینا، این صورت استدلالی را با ظریف‌ترین موشکافی‌ها آراست. این شیوه تفکر فلسفی به خاطر مؤسس اول آن ارسطو، به حکمت مشاء معروف شد.

۱۷- تعریف حکمت از دیدگاه یک فیلسوف مشایی مثل ابن‌سینا، چیست؟

کله پاسخ: فنی استدلالی که انسان عالم، وجود را آن‌چنان که هست، به وسیله آن به دست می‌آورد و نفس خویش را به کمال می‌رساند و به **جهانی عقلانی** مشابه جهان واقعی موجودات تبدیل می‌شود و مستعد رسیدن به سعادت نهایی، به اندازه طاقت بشری می‌گردد.

۱۸- کدام فیلسوفان بزرگ‌ترین حکمای مشاء محسوب می‌شوند؟

(نهایی: شهریور ۱۴۰۲)

کله پاسخ: فارابی (معلم ثانی) و ابن‌سینا (شیخ‌الرئیس)

۱۹- مقام علمی فارابی چگونه بود و او در چه علمی تبحر داشت؟

(نهایی: فرداد ۱۴۰۲)

کله پاسخ: علاوه بر فلسفه، در حقوق، نجوم و سیاست نیز شهرت دارد. و به **درجه استادی** رسیده بود. پزشکی را به خوبی می‌دانست و در مداوای بیماران تبحر داشت. در فلسفه سیاست نظریه‌پرداز بود و **دیدگاه ویژه‌ای** را مطرح کرد که به دیدگاه **افلاطون نزدیک** است.

۲۰- میزان آشنایی فارابی با میراث فلسفی یونان تا چه اندازه بود؟

کله پاسخ: او را میراث فلسفی یونان، به خصوص آرای افلاطون و ارسطو به خوبی آشنا بود و دو کتاب «الجمع بین رأی الحکیمین» و «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه» بیانگر آشنایی کامل او با این میراث بود.

۲۱- موضوع کتاب «الجمع بین رأی الحکیمین» (جمع میان نظرات دو حکیم) چیست؟

کله پاسخ: فارابی در این کتاب نقاط مشترک اندیشه‌های ارسطو و افلاطون را ارائه کرده است.

۲۲- درباره کتاب «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه» از فارابی توضیح دهید. (نهایی: دی ۹۸، دی ۹۹) (۱۴۰۲)

پاسخ: فارابی در این کتاب با دقت و توانایی بسیار نظرات ارسطو را شرح داده و نکات پیچیده آن را آشکار کرد. چنان که بعدها راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسطو می‌شود.

۲۳- چرا فارابی به «معلم ثانی» شهرت یافت؟ (نهایی: دی ۹۸، دی ۹۹)

پاسخ: به علت آشنایی عمیق با تعلیم اسلام، توانست آموخته‌های خود از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان را در یک نظام فلسفی جدید عرضه کند و فلسفه مشائی را بنا کند. او پس از ارسطو (معلم اول) لقب معلم گرفت و به معلم ثانی شهرت یافت.

۲۴- رابطه فارابی با اهل سیاست چگونه بود؟

پاسخ: فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت اما در سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی نوشت.

۲۵- اولین مبنای فارابی برای ورود به فلسفه سیاسی چه بود؟ (نهایی: دی ۱۴۰۱)

پاسخ: بحث مدنی بالطبع بودن انسان، اولین مبنای او برای ورود به مباحث اجتماعی و فلسفه سیاسی است.

۲۶- منظور فارابی از مدنی بالطبع بودن انسان چیست؟

پاسخ: یعنی انسان به حسب فطرت و طبع به جامعه گرایش دارد و می‌خواهد با هم‌نوعان خویش زندگی کند.

۲۷- طبق نظر فارابی هدف اصلی جامعه و مدینه چیست و چه ارتباطی با سعادت دارد؟

پاسخ: معتقد است مسیر سعادت از زندگی اجتماعی می‌گذرد لذا هدف اصلی جامعه و مدینه، سعادت در دنیا و آخرت است.

۲۸- منظور از «مدینه فاضله» را از نگاه فارابی توضیح دهید. (نهایی: دی ۹۹، خرداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: مدینه‌ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته هستند که مدینه را به سوی سعادت می‌برد. فارابی چنین مدینه‌ای را بهترین مدینه می‌داند.

۲۹- فارابی مدینه فاضله را به چه چیزی تشبیه می‌کند؟ توضیح دهید.

پاسخ: مدینه فاضله مانند بدن سالم که هر عضو وظیفه ویژه دارد و آن را به نحو احسن انجام می‌دهد. همانطور که در بدن برخی اعضا بر هم تقدم دارند برخی اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم هستند. (مثلاً قلب بر همه اعضا ریاست دارد، در مدینه فاضله هم باید کسی ریاست کند که برتری بر دیگران دارد)

۳۰- به اعتقاد فارابی رئیس مدینه فاضله باید چه خصوصیتی داشته باشد؟ (نهایی: شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: ریاست جامعه باید بر عهده کسی باشد که: ۱. روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد؛ ۲. به عالی‌ترین درجات تعقل رسیده تا بتواند احکام و شرایع را دریافت کند.

۳۱- به اعتقاد فارابی اتصال پیوسته پیامبران به عالم بالا چه امکانی به آنان می‌دهد؟

پاسخ: امکان می‌دهد جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کند.

۳۲- درباره هدف مدینه جاهله و مدینه فاضله از دیدگاه فارابی توضیح دهید. (نهایی: دی ۹۸، خرداد ۹۹، دی ۹۹)

پاسخ: هدف مدینه فاضله ← سعادت حقیقی هدف مدینه جاهله ← فقط سلامت جسم و فراوانی لذتها
مردم مدینه جاهله، سعادت را در دست یابی به لذتها می‌پندارند و اگر به لذتها نرسند گمان می‌کنند به بدبختی افتاده‌اند

۳۳- از نظر فارابی مهم‌ترین تفاوت «مدینه فاضله» با «مدینه جاهله» چیست؟ (نهایی: خرداد ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲)

پاسخ: او معتقد است مهم‌ترین تفاوت این دو مدینه در هدف آنهاست.

سوالات خط به خط درس دهم

۱- ابن سینا در مشرق زمین و اروپا به چه القابی شهرت دارد؟

کج پاسخ: القاب در مشرق زمین: ابن سینا، بوعلی سینا، شیخ الرئیس، حجة الحق در اروپا: اویسنا، اویسن، شاهزاده اطبا

۲- درباره نبوغ علمی ابن سینا در علوم مختلف توضیح دهید.

کج پاسخ: در منطق و ریاضیات شاگرد ابوعبدالله ناتلی بود و به سرعت بر معلم خود پیشی گرفت و قسمت‌های دشوار کتاب را برای استادش روشن کرد. از کودکی و نوجوانی به آموختن علاقه‌مند بود و در ۱۶ سالگی بیشتر علوم زمان خود را در ریاضیات، منطق، فقه، فلسفه و طب فراگرفت. طب را چندان دشوار نمی‌دانست بعد از ۱۶ سالگی با جدیت منطق و فلسفه را مطالعه نمود.

۳- ابن سینا هنگامی که در فهم مطلبی حیران می‌شد چه می‌کرد؟

کج پاسخ: به مسجد جامع می‌رفت و نماز می‌خواند و در درگاه مبدع کل (خداوند) زاری می‌کرد تا موضوع آشکار گردد. گاهی هم در خواب برخی مسائل برایش حل می‌گشت.

۴- درباره روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی توضیح دهید.

کج پاسخ: روش او در تحلیل مسائل فلسفی، عقلی و استدلالی است. او این روش را که ارسطو پایه گذاری کرده بود به اوج رساند. فلسفه مشاء را به صورت مدون و نظام‌مند ارائه کرد.

۵- چه تعداد کتاب و رساله توسط ابن سینا تألیف شده است؟ مهم‌ترین آثار او را نام ببرید.

کج پاسخ: ابن سینا در دوران کوتاه زندگی خود بیش از ۲۰۰ کتاب و رساله در علم و فلسفه نوشته و برخی از آنها قرن‌ها در مراکز علمی غرب و شرق تدریس شده و می‌شوند. مهم‌ترین این کتب عبارتند از: ۱. قانون ۲. شفا ۳. نجات ۴. انصاف ۵. اشارات و تنبیهات ۶. دانشنامه علایی

۶- از تألیفات ابن سینا درباره کتاب «قانون» توضیح دهید.

کج پاسخ: نوعی فرهنگ‌نامه پزشکی - از معروف‌ترین آثار ابن سینا - به لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است.

۷- از تألیفات ابن سینا درباره کتاب «شفا» توضیح دهید.

کج پاسخ: دایرة المعارف عظیم علمی و فلسفی شامل منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی - الهیات شفا که دربردارنده فلسفه اوست، کامل‌ترین مرجع حکمت مشائی است. هم اکنون در حوزه و دانشگاه از مهم‌ترین کتب فلسفی است.

۸- از تألیفات ابن سینا درباره کتاب «نجات» توضیح دهید.

کج پاسخ: شکل مختصر شفاست. به بیشتر زبان‌ها ترجمه شد.

۹- از تألیفات ابن سینا درباره کتاب «انصاف» توضیح دهید.

کج پاسخ: دارای ۲۰ جزء و ۲۸ هزار مسئله. در حمله غزنویان از بین رفت و تنها چند جزء باقی مانده است.

۱۰- از تألیفات ابن سینا درباره کتاب «اشارات و تنبیهات» توضیح دهید.

کج پاسخ: آخرین دیدگاه‌های ابن سینا در حکمت است.

۱۱- از تألیفات ابن سینا درباره کتاب «دانشنامه علایی» توضیح دهید.

کج پاسخ: به زبان پارسی - ابواب مختلف حکمت در آن درج شده - در اصفهان برای علاءالدوله نوشته شد.

۱۲- طبیعت از دیدگاه ابن سینا چه جایگاهی در هستی دارد؟ (تعریف طبیعت)

پاسخ: طبیعت مرتبه‌ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد ← این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

۱۳- علت نام‌گذاری این عالم به «طبیعت» چیست؟

پاسخ: اجزاء این عالم هر کدام طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم به عنوان یک کل، طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است.

۱۴- طبق اعتقاد ابن سینا، ترکیب اجزای عالم طبیعت به چه صورت است؟

پاسخ: خدا، طبیعت را با لطف و عنایت پدید آورد و همه اجزاء طوری ترکیب شده‌اند که بهترین نظام ممکن (=نظام احسن) را تشکیل دادند.

۱۵- شر و بدی از نگاه ابن سینا چه جایگاهی در عالم طبیعت دارد؟ مثال بزنید. (نهایی: دی ۹۸، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می‌دهد. به شرط آنکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. آنچه ظاهراً بدی و شر است مانند پژمرده شدن گل، مردن یک جاندار حتی وقایع ویرانگر مثل سیل و زلزله همگی در نظم کلی جهان تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می‌کنند. مثال: پاییز برای کسی که فقط پاییز را می‌بیند، ناگوار است اما در مجموعه چهار فصل ببیند، نقشی در اعتدال طبیعت دارد.

۱۶- خواست ابن سینا مطالعه چه اموری علاوه بر عالم طبیعت است؟

پاسخ: او می‌خواهد علاوه بر مطالعه طبیعت برای کشف ویژگی‌ها و روابط پدیده‌ها در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم.

۱۷- ابن سینا درباره مبدأ کل هستی (پادشاه راستین) چه سخنی را بیان نموده است؟

پاسخ: پادشاه راستین: کسی که توانگر و بی‌نیاز مطلق است و هیچ چیز در هیچ چیز از او بی‌نیاز نیست. ذات هر چیز از اوست؛ زیرا ذات هر چیز یا از او پدید آمده یا از چیزی پدید آمده که خود آن چیز را خدا بوجود آورده. نتیجه: همه چیز بنده و مملوک خداست و او به هیچ چیز محتاج نیست.

۱۸- از نظر ابن سینا تأمل در رابطه طبیعت و ماوراء طبیعت و خدا چه تأثیری بر فرد دانشمند و محقق دارد؟ (با توجه به آیه «انما یخشی الله من عباده العلماء» توضیح دهید که طبق نظر ابن سینا چگونه طبیعت‌شناسی می‌تواند منجر به خشوع شود؟

(نهایی: دی ۹۹، دی ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲)

پاسخ: معتقد است تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده‌ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده‌ها عبور می‌دهد و به باطن آنها می‌رساند و او را به خشوع و خشیت در برابر حق وامی‌دارد.

۱۹- سهروردی در کجا متولد شد؟ سیر زندگانی او از تولد تا مرگ را به اختصار بیان نمایید.

پاسخ: شیخ شهاب الدین سهروردی، از برجسته‌ترین چهره‌های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین در ۵۴۹ در سهرورد زنجان متولد شد.

مراغه ← اصفهان ← آناطولی ← سوریه ← حلب
(آغاز تحصیل) (آشنایی با اندیشه‌های ابن سینا) (—) (ملک ظاهر پسر صلاح الدین ایوبی برخلاف میل باطنی، او را زندان و مرگ.)

۲۰- مهم‌ترین کتاب سهروردی چه بود؟ درباره آن توضیح دهید. (نهایی: خرداد ۱۴۰۲)

پاسخ: کتاب حکمة الاشراق است - او در این کتاب مکتبی جدید را در فلسفه اسلامی ارائه کرد و از شیوه مشائیان فراتر رفت و حکمت اشراقی را پایه‌گذاری کرد.

۲۱- تلاش شیخ اشراق در مکتب فلسفی اشراق چیست و چگونه این مکتب را پایه‌گذاری کرد؟

پاسخ: سهروردی می‌کوشید حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال برساند. او با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی، «حکمت اشراق» را پایه‌گذاری کرد.

۲۲- حکمت اشراق چگونه مکتبی است؟

پاسخ: نوعی بحث از وجود است که فقط به نیروی عقل اکتفا نمی‌کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی همراه می‌سازد. می‌کوشد آنچه را در مقام استدلال بدست آورده به شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و آنچه را از شهود کسب کرده، با استدلال به دیگران تعمیم دهد.

۲۳- از نظر سهروردی چه روش‌هایی به ترتیب «بدون نتیجه» و «گمراه‌کننده» هستند؟

پاسخ: سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب، بی‌نتیجه است. سلوک روحانی و قلبی بدون تربیت عقلانی را گمراه‌کننده می‌داند.

۲۴- قطب‌الدین رازی چه مطالبی را درباره حکمت اشراق بیان کرده است؟

پاسخ: می‌گوید: «اساس و بنیان حکمت اشراق، اشراق است. اشراق یعنی کشف و شهود و این حکمت همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده‌اند، زیرا حکمت آنها هم شهودی و کشفی بوده است. این حکمت از آن رو اشراقی خوانده شده که از ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان‌های کامل به دست می‌آید.»

۲۵- سهروردی جویندگان معرفت را به چند دسته تقسیم می‌کنند؟ بیان نمایید.

(نهایی: خرداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۲)

پاسخ: چهار دسته: **دسته اول:** آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته‌اند و جویای آن هستند.
دسته دوم: آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده‌اند ولی از ذوق و عرفان بی‌بهره‌اند.
دسته سوم: آنان که به برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می‌کنند و به شهود رسیدند.
دسته چهارم: هم در صورت‌های برهانی به کمال رسیدند و هم به اشراق و عرفان رسیده‌اند. (حکیم متاله)

۲۶- سهروردی درباره جایگاه حکیم متاله چه مطلبی را بیان می‌کند؟

پاسخ: هرگاه اتفاق افتد در زمانی حکیمی غرق در تاله بوده و در بحث نیز استاد باشد، او را ریاست تامه بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست جهان هیچ گاه از حکیمی که چنین باشد، خالی نیست... زیرا برای مقام خلافت ضروری است که حقایق را بی‌واسطه، از خدا دریافت کند. منظور از ریاست، از راه غلبه و قهر نیست بلکه امام متاله گاهی در ظاهر حاکم است و گاهی در نهان. در هر حال ریاست تامه دارد هرچند گمنام باشد. اگر ریاست واقعی به دست او افتد، زمان وی نورانی و درخشان شود و هرگاه جهان از تدبیر حکیم الهی تهی شود، ظلمت و تاریکی بر آن سایه افکند.

۲۷- در فرهنگ فلسفی سهروردی از چه مفهومی به جای «وجود» استفاده می‌شود؟ توضیح دهید.

پاسخ: براساس بیان شیخ اشراق از مفهوم «اشراق»، مفهوم «نور» به جای مفهوم «وجود» وارد فرهنگ فلسفی او شده است و همه مباحث خود را پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن ساماندهی می‌کند.

۲۸- سهروردی درباره مبدأ جهان و تفاوت موجودات چه اعتقادی دارد؟

پاسخ: شیخ اشراق، مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض می‌داند و او را نور الانوار می‌نامد. اشیاء از تابش نور الانوار پدید آمده‌اند. پس هر واقعیتهایی نور است اما نه نور مطلق بلکه درجه‌ای از نور است. تفاوت موجودات: در شدت و ضعف نورانیت.

۲۹- سهروردی، تجلی و اشراق خدا و پدید آمدن جهان را چگونه توضیح داده است؟

پاسخ: ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افشانی (اشراق) می‌کند و بدین ترتیب، متجلی می‌شود و همه چیزها را به وجود می‌آورد و با اشعه خود به آنها حیات می‌بخشد. همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست و رستگاری، عبارت از وصول کامل به این روشنی است.

۳۰- در فلسفه اشراق، مشرق و مغرب چه مفهومی دارد؟

(نهایی: خرداد ۹۹، شهریور ۹۹، دی ۹۹، خرداد ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲)

پاسخ: در فلسفه اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنای ویژه پیدا می‌کند:
مشرق محض ← نور محض یا جهان فرشتگان مقرب که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.
مغرب وسطی ← نور و ظلمت در آن آمیخته است.
مغرب کامل ← جهان تاریکی یا عالم ماده که بهره‌ای از نور ندارد.

سؤالات خط به خط درس یازدهم

۱- منظور از دوره متقدم، میانه و متأخر را بیان نمایید.

پاسخ: سه دوره فلسفه اسلامی عبارتند از ← دوره متقدم: از آغاز اسلام تا قرن چهارم هجری (فارابی بزرگترین فیلسوف این دوره است)
 ← دوره میانه: از قرن پنجم تا قرن دهم (ابن سینا در ابتدای آن طلوع کرد - شیخ اشراق هم در این دوره قرار دارد)
 ← دوره متأخر: قرن یازدهم تا عصر حاضر

۲- علم کلام چه علمی است؟ متکلمان چه موضعی نسبت به فلسفه داشته‌اند؟

پاسخ: فلسفه از همان ابتدا رقیبی به نام علم کلام داشت. دانشمندان علم کلام (متکلمین): خواهان دفاع از معارف دینی از طریق استدلال بودند. متکلمین با فلاسفه مخالف بودند و از آنان انتقاد می‌کردند.

۳- انتقاد متکلمین از فلسفه ابن سینا چگونه بود؟ تأثیر آن در ایران به چه صورت بود؟

پاسخ: برخی به حدی شدید بود که بعد از ابن سینا فلسفه را در بخشهایی از جهان اسلام به رکود کشاند. در ایران کمتر تأثیر داشت و فلسفه زنده ماند تا اینکه در دوره صفویه ایران به ثبات و پایداری رسید.

۴- نتیجه ثبات و آرامشی که در ایران در زمان صفویه ایجاد شد، برای فلسفه چه بود؟

پاسخ: در پایتخت صفویان (اصفهان) علم و دانش رونق گرفت و فلاسفه بزرگی ظهور کردند و فلسفه وارد مرحله جدیدی شد.

۵- چند تن از فیلسوفان مشهور زمان صفویان را نام ببرید.

پاسخ: میرمحمدباقر مشهور به میرداماد - شیخ بهاء الدین محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهایی
 میرابوالقاسم فندرسکی مشهور به میرفندرسکی - محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی معروف به ملاصدرا و صدرالمتهلین

۶- ملاصدرا در کجا متولد شد؟ سیر زندگی او از تولد تا مرگ را به اختصار شرح دهید.

پاسخ: در سال ۹۷۹ هجری در شیراز متولد شد. پدرش از رجال نامی شیراز بود. او در اصفهان به عالی‌ترین درجه حکمت رسید. سیر زندگانی ملاصدرا:
 شیراز ← اصفهان ← شیراز ← کهک قم
 (آغاز تحصیل) (ابتدا شاگرد شیخ بهایی بود به پیشنهاد او به درس میرداماد رفت) (تدریس در مدرسه خان) (سیر و سلوک و عبادت)
 (میرداماد، ملاصدرا را با مشاء و اشراق آشنا کرد) (به دلیل حسادت به قم تبعید شد)
 (رسیدن به درک جدید از معرفت)

۷- ملاصدرا در سالهای متمادی که در کهک قم بود چه کرد؟

پاسخ: در قم به دلیل خلوت‌گزینی‌ها و تفکرات عمیق، جهشی بلند در جانش رخ داد و اسرار حکمت بر او آشکار شد و آنچه را با برهان درک کرده بود، به نحو برتر با شهود دریافت. پس از ۱۵ سال زندگی در قم دوباره به شیراز بازگشت. حاکم شیراز سرپرستی مدرسه خان را به او داد. ملاصدرا آن مدرسه را به کانون علوم عقلی در ایران تبدیل کرد و خود را وقف علم کرد. در ۱۰۵۰ هجری در ۷۰ سالگی هنگام بازگشت از حج، در عراق درگذشت.

۸- چند مورد از تألیفات مشهور ملاصدرا را نام ببرید.

پاسخ: اسفار اربعه - الشواهد الربوبیه - تفسیر القرآن الکریم - المبدأ و المعاد

(نهایی: خرداد ۱۴۰۱)

۹- مهم‌ترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا چیست؟ درباره آن توضیح دهید.

پاسخ: **الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه**: مهم‌ترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدراست - مشهور به «اسفار» در نه جلد چاپ شده است دایره المعارف فلسفی ملاصدراست - با الهام از سفر چهار مرحله‌ای عارفان در چهار بخش اصلی تألیف شده است.

۱۰- چهار سفر عرفانی عرفا کدامند؟

پاسخ: ۱. سفر از خلق به حق. ۲. سفر با حق و در حق. ۳. سفر از حق به سوی خلق همراه با حق. ۴. سفر در خلق با حق

۱۱- درباره «سفر از خلق به حق» و ارتباط آن با فلسفه ملاصدرا توضیح دهید.

پاسخ: سالک می‌کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کرده و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد. ملاصدرا مباحث عمومی فلسفه را در بخش اول کتابش آورده است.

۱۲- درباره «سفر با حق و در حق» و ارتباط آن با فلسفه ملاصدرا توضیح دهید.

پاسخ: سالک می‌کوشد به کمک خدا، سیری در اسماء و صفات خدا نماید. ملاصدرا در این بخش به مباحث مربوط به توحید و صفات الهی می‌پردازد.

۱۳- درباره «سفر از حق به سوی خلق همراه با حق» و ارتباط آن با فلسفه ملاصدرا توضیح دهید.

پاسخ: سالک به سوی خلق بازمی‌گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر او می‌یابد. ملاصدرا بخش سوم را به افعال خدا و ربوبیت و حکمت او اختصاص داده است.

۱۴- درباره «سفر در خلق با حق» و ارتباط آن با فلسفه ملاصدرا توضیح دهید.

پاسخ: سالک می‌کوشد به کمک حق مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک نماید. ملاصدرا بخش چهارم را به علم النفس و مراحل شکل‌گیری آن تا رسیدن به معاد اختصاص داده است.

۱۵- درباره حکمت متعالیه و مشرب فلسفی ملاصدرا توضیح دهید.

پاسخ: مکتب ملاصدرا که حکمت متعالیه نام دارد نتیجه تکاملی فلسفه مشاء و اشراق و همچنین انس دائمی وی با وحی قرآنی بود. به عبارت دیگر نتیجه الفت یافتن برهان عقلی، شهود قلبی و وحی قرآنی در شخصیت ملاصدرا، حکمت متعالیه بود و سرآمد فلسفه‌های قبل شد.

۱۶- آیا بهره‌مندی ملاصدرا از عرفان و شهود یا وحی قرآنی، فلسفه او را از فلسفه بودن خارج کرده است؟ توضیح دهید.

پاسخ: با اینکه ملاصدرا به شهود و وحی توجه داشت اما فلسفه او از معیارهای پذیرفته شده در فلسفه تهی نیست (همچنان فلسفه محسوب می‌شود) و به کلام یا عرفان تبدیل نمی‌شود. به دو دلیل: ۱. در مقام فیلسوف هر چه طرح می‌کند مربوط به وجود و مسائل بنیادی مربوط به آن است. ۲. دلایل متکی به استدلال عقلی است نه شهود قلبی و بیان نقلی.

۱۷- منابع حکمت متعالیه را نام ببرید.

پاسخ: ۱. فلسفه مشاء به خصوص اندیشه‌های مستدل و قوی ابن سینا؛ ۲. حکمت اشراق، اندیشه‌های سهروردی؛ ۳. عرفان اسلامی؛ به خصوص اندیشه‌های محی الدین عربی؛ ۴. تعالیم قرآن و احادیث منقول از پیامبر (ص) و امامان (ع).

۱۸- اصول اولیه حکمت متعالیه را نام ببرید. ویژگی این اصول چیست؟

پاسخ: ۱. اصالت وجود ۲. وحدت حقیقت وجود ۳. مراتب داشتن وجود
حکمت متعالیه دارای اصول و پایه‌هایی است که
یا تا عصر ملاصدرا مطرح نشده بود و ابتکار ایشان بود.
یا مطرح شد اما نه به صورتی که ملاصدرا آنها را ترکیب کرد و کنار هم قرار داد.

۱۹- «اصالت وجود» چه جایگاهی در فلسفه ملاصدرا دارد؟ فلسفه او را به چه نام دیگری می‌خوانند؟

پاسخ: این اصل بنیادی‌ترین اصل فلسفی ملاصدرا که بر سایر مباحث تأثیر عمیق داشت و به آنها رنگ و بوی اصالت وجودی بخشیده است. به همین دلیل گاهی فلسفه صدرا را فلسفه اصالت وجودی می‌خوانند.

۲۰- قدم‌های فهم اصالت وجود را بیان نمایید.

🔍 پاسخ: قدم اول ← در اینجا «اصالت» به معنای «واقعی» است که در مقابل آن کلمه «اعتباری» قرار دارد که به معنای واقعی و خارجی بودن و ذهنی بودن است.

قدم دوم ← از هر چیز، دو مفهوم به ذهن می‌آید: وجود یا بودن (هستی) و ماهیت (چیستی)

قدم سوم ← این دو مفهوم، غیریکدیگرند. یعنی دو مفهوم متغایر و متفاوت‌اند. مثل «انسان» و «بشر» نیستند که دو لفظ هستند با مفهوم یکسان.

قدم چهارم ← بعد از این سبب و گذشت سالیان این سؤال طرح شد: حال که یک شیء خارجی منشأ پیدایش دو مفهوم متغایر در ذهن شده، ولی خودش یکی است، این

یک شیء مصداق وجود است یا ماهیت؟

قدم پنجم ← در پاسخ به سؤال قدم قبلی دو پاسخ وجود دارد: اصالت وجود یا اصالت ماهیت.

۲۱- منظور از «اصالت ماهیت» را توضیح دهید و کدام فیلسوف دیدگاه اصالت ماهیتی دارد؟

(نهایی: دی ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۱، فرورد ۱۴۰۲)

🔍 پاسخ: میرداماد - او معتقد است آن امر واقعی مصداق ماهیت است. آنچه واقعی است ماهیت است پس اصالت با ماهیت است و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است.

اذهان عادی این نظر را می‌پسندیدند و می‌گفتند این انسان است که واقعی است نه وجود.

۲۲- نظر ملاصدرا درباره اصالت وجود را توضیح دهید.

(نهایی: فرورد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۱، فرورد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲)

🔍 پاسخ: او معتقد است وجود است که اصیل و واقعی است و واقعیت خارجی مصداق و مابزاء وجود است نه ماهیت. درک و پذیرش آن در ابتدا دشوار است. آنچه در خارج می‌یابیم همه

مصداق وجودند. البته وجودهایی متفاوت با نقص و کمالات متفاوت. ذهن با نگاه به این وجودهای متفاوت متناسب با تفاوت‌ها و خصوصیات هر کدام، تصورات و مفاهیمی از قبیل

آسمان، درخت و... انتزاع می‌کند و آن وجودها را به این تصورات، نام‌گذاری می‌کند و از هم متمایز می‌کند و الا آنچه در خارج است، وجود است. این جهان هم چیزی جز وجود و

حقیقت وجود نیست.

۲۳- قدم‌های رسیدن به درک وحدت حقیقت وجود را بیان نمایید.

(نهایی: دی ۱۴۰۰)

🔍 پاسخ: قدم اول ← اعتقاد دیرینه عارفان این است که هستی یک حقیقت است و کثرت‌های جهان اصالت ندارد. عرفا این را شهود می‌کردند و کمتر استدلال می‌کردند.

قدم دوم ← ملاصدرا که خود به عنوان یک عارف این مطلب را شهود کرده بود، می‌خواست این حقیقت را با برهان فلسفی اثبات نماید. رسیدن به اصالت وجود راه را

برای استدلال بر «وحدت وجود» باز نمود و تا اثبات فلسفی وحدت وجود قدمی کوتاه مانده بود.

قدم سوم ← همان قدم کوتاه است. اینکه ما از هر واقعیتی دو مفهوم بدست می‌آوریم: وجود و ماهیت؛ ماهیت هر شیء با دیگری متفاوت است اما مفهوم وجود در همه

یکی است. مفهوم وجود، مشترک میان همه اشیا است.

۲۴- ملاصدرا چگونه با تلفیق بحث اصالت وجود، وحدت حقیقت وجود را تبیین نمود؟

🔍 پاسخ: ملاصدرا گفت: حال که واقعیت اصالت با وجود است و وجود هم امر مشترک اشیا است پس حقیقت، یکی بیش نیست و جایی برای تكثر واقعی در عالم نیست.

۲۵- کدامیک از اصول فلسفی حکمت متعالیه برای تبیین کثرت و تعدد در عالم است؟

🔍 پاسخ: مراتب داشتن وجود.

۲۶- نظریه مراتب داشتن وجود را از نظر ملاصدرا، توضیح دهید. (ملاصدرا تنوع و کثرت و اختلاف موجودات را چگونه تبیین می‌کند؟)

(نهایی: فرورد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، فرورد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲)

🔍 پاسخ: از نظر ملاصدرا با اینکه هستی یک حقیقت واحد است اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. وجود که حقیقت واحدی است در تجلیات و

ظهورات خود دارای مراتبی می‌شود و هر مرتبه‌ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است.

۲۷- ملاصدرا برای بیان نظریه مراتب داشتن وجود از چه مثالی استفاده می کند؟ توضیح دهید.

(نهایی: شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، فرورداد ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱)

پاسخ: حقیقت واحد مانند یک کانون نور درخشان است که اشعه آن به میزانی که از کانون دور می شود، ضعیف و ضعیف تر می شود و همین اختلاف در شدت و ضعف، سبب تمایز آنها از هم و پیدایش کثرت در جهان می گردد. (یک حقیقت به نام نور داریم که در مرتبه ای قوی و در مرتبه ای ضعیف است). نور یک حقیقت است اما شدت و ضعف دارد و خارج از حقیقت نور نیست. نور با چیزی ترکیب نشده تا قوی یا ضعیف شود. نور قوی از همان جهت که نور است قوی است، نور ضعیف از همان جهت که نور است ضعیف است. (با تاریکی ترکیب نشده تا ضعیف شود) - زیرا تاریکی، نبود نور است.

۲۸- مفاهیم «نور» و «وجود» در فلسفه صدرایی چه تفاوتی با کاربرد این دو مفهوم در حکمت مشاء و اشراق دارد؟

(نهایی: فرورداد ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۱)

پاسخ: در فلسفه صدرایی، «وجود» که محور فلسفه مشایی بود و «نور» که اساس فلسفه اشراقی بود به هم می رسند و یک معنا و هویت می یابند.

۲۸- مشخص نمایید هریک از موارد زیر بیانگر کدامیک از اصول حکمت متعالیه می باشد:

- (الف) در هزاران جام گوناگون شرابی بیش نیست / گرچه بسیارند انجم آفتابی بیش نیست : مراتب داشتن وجود
(ب) حُسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد / این همه نقش در آیینۀ اوهام افتاد: وحدت حقیقت وجود
(ج) که یکی هست و هیچ نیست جز او / وحده لا اله الا هو: وحدت حقیقت وجود
(د) گرچه برخیزد ز آب بحر موجب بی شمار / کثرت اندر موج باشد لیک آبی بیش نیست: مراتب داشتن وجود
(ه) وجود اندر کمال خویش جاری است / تعین ها اموری اعتباری است: اصالت وجود
(و) این همه عکس می و نقش نگارین که نمود / یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد: وحدت حقیقت وجود
(ز) همو هم اول است و هم آخر هم ظاهر است و هم باطن و او به هر چیزی علیم است: وحدت حقیقت وجود

سوالات خط به خط درس دوازدهم**۱- فلسفه اسلامی در دوره معاصر با دوره های قبل، چه تفاوت عمده ای دارد؟**

پاسخ: تفاوت عمده این دوره، ورود فلسفه های جدید اروپا به جهان اسلام

۲- ورود فلسفه های جدید در ایران معاصر، چه نتایجی به دنبال داشت؟

پاسخ: ورود فلسفه های جدید به جوامع اسلامی، بازار مباحث فلسفی را وارد مرحله جدیدی کرد. این ورود در ایران همراه با نهضت مشروطه بود و تا به امروز ادامه یافت و کتاب های فلسفی فیلسوفان بزرگ اروپایی به زبان فارسی ترجمه شد و دانشجویانی برای آشنایی با مکاتب فلسفی اروپایی به آنجا رفتند و رشته های تحصیلی مربوط به فیلسوفان اروپایی در دانشگاه های ایران تأسیس شد و به تدریج اساتیدی وارد آموزش فلسفه شدند که متخصص تحلیل نظرات فلسفی یک یا چند فیلسوف مشهور اروپایی بودند.

۳- نابسامانی هایی که پس از دولت صفوی، ایران را فراگرفت، چه نتایجی در حیات علمی و فلسفی به دنبال داشت؟

پاسخ: ضعیف شدن حیات علمی و فرهنگی و از رونق افتادن همه علوم، از جمله فلسفه و برخوردار نبودن حیات فلسفی از شادابی با وجود تدریس فلسفه توسط چند فیلسوف نام آشنا

۴- چه عواملی زمینه را برای حیات مجدد فلسفه در دوره معاصر فراهم نمود؟

پاسخ: در اواخر حکومت قاجار که یک جنبش فکری و اجتماعی در ایران شکل گرفت و در فرهنگ جنب و جوشی پدیدار شد، مسئله های فلسفی جدیدی نیز مطرح شد که زمینه را برای حیات مجدد فلسفه فراهم کرد.

۵- برخورد فیلسوفان ایرانی با فلسفه‌های اروپایی به چه صورت بود؟

پاسخ: به این صورت بود که تلاش کردند با بهره‌گیری از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه‌های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند.

۶- فیلسوفان معاصر چگونه تلاش نمودند که فلسفه‌ای غنی که ناظر به مسئله‌های روز جامعه باشد، عرضه نمایند؟

پاسخ: این فیلسوفان می‌کوشیدند با بازسازی و نوسازی ذخایر فلسفی گذشته، فلسفه‌ای غنی‌تر که ناظر بر مسئله‌های جامعه باشد، عرضه نمایند.

۷- کانون اصلی فعالیت‌هایی که منجر به احیای فلسفه اسلامی شد در کدام شهرها بود؟

پاسخ: کانون اصلی این فعالیت‌ها دو شهر قم و تهران بود. در اصفهان و مشهد نیز حلقه‌های درس فلسفه تشکیل می‌شد.

۸- از جمله استادان برجسته فلسفه در عصر حاضر چند تن را نام ببرید.

پاسخ: میرزا جهانگیرخان قشقایی، ابوالحسن شعرانی، میرزا مهدی آشتیانی، میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، محمد مهدی الهی قمشه‌ای، سید محمد کاظم عصار، آیت الله محمد علی شاه آبادی، امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی(ره)

۹- استادان فلسفه در عصر حاضر چگونه شاگردانی را تربیت نمودند؟

پاسخ: این گروه از فلاسفه شاگردان زیادی تربیت کردند که فرهنگ فلسفی را در جامعه گسترش دادند و کتاب‌های متعددی تألیف کردند. برخی از این شاگردان هم‌اکنون از استادان برجسته فلسفه در عصر حاضر به شمار می‌روند.

۱۰- چند مورد از مهم‌ترین و مشکل‌ترین کتاب‌های فلسفی و عرفانی که امام خمینی(ره) در جوانی تدریس می‌کرد بیان نمایید.

پاسخ: ایشان در دوره جوانی حدود ۲۰ سال مهم‌ترین و مشکل‌ترین کتاب‌های فلسفی و عرفانی، مانند اسفار ملاصدرا و شفا ابن سینا را تدریس می‌کرده است.

۱۱- استادان امام خمینی(ره) در فلسفه و عرفان، چه کسانی بودند؟ کدام استاد در شکل‌گیری شخصیت امام نقش اساسی داشت؟

پاسخ: فلسفه و عرفان را از سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی آموخت. آیت الله شاه آبادی در شکل‌گیری شخصیت امام در ابعاد گوناگون فلسفی، عرفانی و اجتماعی نقش اساسی داشته است. امام او را مراد و محبوب خود می‌شمرد.

۱۲- چرا حلقه درس فلسفه امام خمینی(ره) علنی برگزار نمی‌شد؟

پاسخ: امام در شرایطی تدریس فلسفه را در حوزه‌ها آغاز نمود که بسیاری از بزرگان به شدت با تدریس فلسفه به خصوص فلسفه صدرایی مخالف بودند و آن را فلسفه‌ای ضد دینی می‌دانستند. لذا حلقه درس ایشان اختصاص به شاگردان نزدیک داشت و علنی نمی‌شد.

۱۳- قدرت علمی امام خمینی(ره) در فلسفه و عرفان چه اندازه بود؟

پاسخ: قدرت علمی ایشان به گونه‌ای بود که در همان جوانی کتاب‌هایی مانند اسفار ملاصدرا را تدریس می‌کرد و در همان سنین کتاب‌های ارزنده‌ای در مباحث عرفانی تألیف کردند.

۱۴- چند مورد از تألیفات عرفانی امام خمینی(ره) را بیان نمایید.

پاسخ: «تعلیقات به شرح فصوص الحکم»، «شرح بر مصباح الانس»، «مصباح الهدایه»، «اراده و طلب»، «شرح دعای سحر»، «سرالصلوة» و «آداب الصلوة»

۱۵- درباره نبوغ امام خمینی(ره) در تفکر فلسفی، چه مطلبی نقل شده است؟

پاسخ: نقل است امام در تدریس حکمت متعالیه بسیاری از مباحث صدرالمتألهین را با بیانی بی‌نظیر تفسیر عرفانی می‌کردند.

۱۶- تربیت شاگردان توسط امام خمینی(ره) چه تأثیری در تحول فکری و فرهنگی جامعه داشت؟

✍ پاسخ: امام می‌دانست هر حرکت فکری و فرهنگی و یا انقلاب اجتماعی نیازمند یاران همفکر و همراه است لذا طلاب مستعد و نواندیش را تحت تربیت فکری و عملی خود قرار داد و آنان را آماده ورود به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نماید. این طلاب شخصیت‌های درجه اول حوزه شدند که در علوم عقلی و فلسفه متبحر بودند و مسائل فکری روز را می‌دانستند و برای ایجاد یک تحول فکری و فرهنگی پیش قدم بودند.

۱۷- بزرگ‌ترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی کیست؟

✍ پاسخ: علامه طباطبایی(ره)

۱۸- علامه در کجا متولد شد و چگونه مدارج عالی علم را گذراند؟

✍ پاسخ: در ۱۲۸۱ در تبریز متولد شد و در ۱۳۰۴ به نجف رفت. در نجف به محضر اساتید بزرگ راه یافت و در تحصیل مدارج عالی فقه، کلام، فلسفه، ریاضی گام نهاد.

۱۹- علامه در عرفان و اخلاق در محضر چه استادی، شاگردی نمودند؟ چه مطالبی را از محضر ایشان آموختند؟

(نهایی: دی ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲، شهریور ۱۴۰۲)

✍ پاسخ: در عرفان و اخلاق به خدمت عارف بزرگ، میرزا علی آقا قاضی رسید و مراتب عالی سلوک را طی کرد و از شاگردان ممتاز او شد. هرگاه از تهذیب نفس سخنی طرح می‌شد، همه را از او می‌دانست. روش تفسیری خود یعنی تفسیر قرآن به قرآن را از مرحوم قاضی آموخته بود.

۲۰- علامه در ابتدای ورود به قم وقتی شرایط علمی و نیازهای فکری و فرهنگی قم را بررسی کرد، متوجه چه مسائلی شد؟

✍ پاسخ: علامه مشاهده کرد:

اولاً اندیشه‌های جدید و مکتب‌های فلسفی که از اروپا به ایران آمده، به خصوص تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم، در حال گسترش است. ثانیاً حوزه‌های علمیه آمادگی لازم برای مواجهه با این افکار را ندارد و تدریس فلسفه که می‌تواند زمینه نقد و ارزیابی مکاتب را فراهم کند، مورد استقبال قرار نمی‌گیرد و در برنامه درسی طلاب جایگاهی ندارد لذا ایشان اقداماتی را انجام دادند و با پشتکار بی‌مانند آن اقدامات را ادامه دادند.

۲۱- اقدامات علمی و فرهنگی علامه طباطبایی(ره) را بیان نمایید.

(نهایی: خرداد ۱۴۰۱)

✍ پاسخ: ۱. تدریس فلسفه، ناظر بر مسائل روز فلسفی ۲. احیاء تدریس و تفسیر قرآن کریم ۳. ارتباط با مراکز دانشگاهی و فرهنگی ۴. تربیت شاگردان

۲۲- از اقدامات علمی و فرهنگی علامه، «تدریس فلسفه ناظر بر مسائل روز فلسفی» را توضیح دهید.

(نهایی: خرداد ۱۴۰۲)

✍ پاسخ: ایشان علاوه بر تدریس شفاهی این سینا و اسفار ملاصدرا تصمیم گرفت یک دوره فلسفه اسلامی به سبک روز، تألیف کند. به همین منظور کلاسی تشکیل داد که طلاب برجسته و آشنا به مسائل در آن شرکت می‌کردند و مکتب‌های فلسفی و به خصوص مارکسیسم را که در آن ایام رونق داشت نقد می‌کردند. حاصل این جلسات کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» است که شامل متن اصلی، نوشته خود علامه و پاروکی‌های توضیحی، نوشته شهید مطهری که در آن جلسات حضور داشتند، می‌باشد.

۲۳- ویژگی‌های کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» را بیان نمایید.

(نهایی: دی ۹۸، دی ۹۹، دی ۱۴۰۱)

✍ پاسخ: ۱. این کتاب در روشن کردن افکار طلاب و دانشجویان و دانش‌پژوهان نقشی تعیین کننده داشت

۲. علامه و مطهری نشان دادند که می‌توان از ذخیره فلسفی صدرایی بهره گرفت و متناسب با مهم‌ترین مسئله‌های فلسفی روز، مجموعه‌ای تألیف کرد که پاسخگوی نیازهای ما در همین عصر باشد.

۳. این کتاب نگاه تطبیقی به فلسفه دارد. (تا آن روز در ایران سابقه نداشت) و علامه و مطهری تلاش می‌کنند که در مباحث مهمی مثل شناخت و علیت، دیدگاه‌های فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست‌ها را با دیدگاه خود در فلسفه اسلامی مقایسه کنند و ارزیابی خود را ارائه دهند.

۲۴- دو کتاب درسی که علامه برای تدریس فلسفه تألیف کرد کدامند؟

(نهایی: دی ۹۹، خرداد ۱۴۰۱)

✍ پاسخ: بدایة الحکمة برای تدریس در سطح اولیه و نهایة الحکمة برای تدریس در سطح بالاتر و تخصصی‌تر

۲۵- درباره اقدام علامه در زمینه «احیاء تدریس و تفسیر قرآن کریم» توضیح دهید.

✍ پاسخ: یکی از اقدامات ضروری در آن زمان، توجه دادن جامعه به آموزه‌های قرآن و بهره‌مندی از آن در زندگی روزمره و تحولات اجتماعی بود. علامه به نقل خودش جلسه تفسیری تشکیل داد و به تفسیر قرآن با سبکی جدید پرداخت که نتیجه آن یک تفسیر ۲۰ جلدی است.

۲۶- از اقدامات علمی و فرهنگی علامه «شناساندن فلسفه اسلامی به دانشگاه‌ها و جهان» را توضیح دهید.

✍ پاسخ: علامه سعی کرد فعالیت‌های خود را به دانشگاه‌ها و حتی به محیط‌های فرهنگی جهانی بکشاند. با استادان دانشگاه ملاقات می‌کرد و برای آنها جلساتی تشکیل می‌داد. *سالیان متمادی در عین فقر، رنج آمد و شد به تهران را به خود هموار می‌کرد و با خاورشناسان بزرگ که برای تحقیق به ایران آمده بودند، گفت و گو می‌کرد و روح تفکر و فلسفه اسلامی و مذهب تشیع را به ایشان می‌شناساند.

۲۷- نتیجه گفت و گوهای علامه با استادان دانشگاه و گفت و گو با آنها چه بود؟

✍ پاسخ: ترجمه آثار استاد به زبان‌های اروپایی و راه یافتن تفکر شیعی به جهان غرب.

۲۸- درباره هانری گربن و ارتباط او با علامه طباطبایی(ره) توضیح دهید.

✍ پاسخ: هانری گربن، فیلسوف برجسته فرانسوی که حدود ۲۰ سال با دانشگاه تهران همکاری می‌کرد، در ملاقات‌های متعدد با علامه، از نظرات ایشان در فلسفه، عرفان و مکتب شیعه استفاده کرد.

۲۹- تألیف چه کتاب‌هایی، نتیجه مذاکرات گربن با علامه، بود؟

(نهایی: شهریور ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱، فرورداد ۱۴۰۲، شهریور ۱۴۰۲)

✍ پاسخ: دو جلد کتاب تحت عنوان «شیعه» و «رسالت تشیع»

۳۰- ویژگی حلقه‌های فکری و جلسات تدریسی علامه در قم، چه بود؟

✍ پاسخ: در ابتدا کم جمعیت و گمنام بود اما به سرعت به مهم‌ترین جریان فکری و علمی قم تبدیل شد.

۳۱- چند تن از کسانی که به دنبال تحول در حوزه‌های علمیه و روز آمد کردن مباحث فلسفی بودند و گرد علامه جمع شدند، نام ببرید.

✍ پاسخ: شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید باهنر، آیت الله جوادی آملی، آیت الله حسن زاده آملی، آیت الله مصباح.

۳۲- شاگردان علامه چه اقداماتی در زمینه فلسفه و سایر علوم اسلامی داشته‌اند؟

✍ پاسخ: این اندیشمندان که بسیاری از آنان از یاران صمیمی امام خمینی(ره) بودند و بازوی فکری نهضت اسلامی امام را به وجود آوردند، صدها کلاس درس و هزاران کتاب در زمینه فلسفه و سایر علوم اسلامی تألیف کردند و حیات فرهنگی نهضت را تغذیه نمودند.

۳۳- برجسته ترین شاگرد علامه طباطبایی(ره) و امام خمینی(ره) که بود؟

✍ پاسخ: شهید مطهری(ره)

۳۴- ساختار نظام فکری هر فرد را به چه چیزی می‌توان تشبیه نمود؟ توضیح دهید.

✍ پاسخ: ساختار و نظام فکری هر فرد، مشابه یک درخت است و سایر افکار او مانند نگاه او به زندگی، به سیاست و ... شاخ و برگ‌های آن درخت شمرده می‌شوند. هر چه ریشه کم‌عیب و سالم باشد ← شاخ و برگ‌ها کم‌عیب و سالم‌تر خواهند بود. هر چه ریشه قوی و استوار باشد ← شاخ و برگ‌های قوی و محکم خواهد داشت.

۳۵- سبک زندگی کدام دسته از افراد بر اساس تقلید از دیگران شکل می‌گیرد؟ تصمیم‌گیری آنها تابع چیست؟ (نهایی: دی ۹۹)

✍ پاسخ: کسانی که کمتر اهل اندیشه‌ورزی هستند و اصولاً یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند. اینان زندگیشان را به تقلید از دیگران می‌گذرانند و تصمیم‌گیری آنها تابع جو حاکم بر جامعه است.

۳۶- افرادی که تازه وارد تفکر فلسفه شده‌اند و در حال رشد و پیشرفت هستند، چه خصوصیتی دارند؟

✍ پاسخ: این افراد وارد عرصهٔ تفکر شده و دارای افکار فلسفی شده‌اند، اما هنوز آن افکار فلسفی به خوبی در آنها شکل نگرفته و نمی‌توانند میان آن افکار و مسائل زندگی ارتباط برقرار کنند. اینان، گاهی براساس افکار خود تصمیم می‌گیرند و گاهی بیرون از آن اساس.

۳۷- کسانی به سبک زندگی معیوب و ناسالم رسیده‌اند، چه نظام فکری و عملی دارند؟ توضیح دهید. (نهایی: شهریور ۱۴۰۲)

✍ پاسخ: افرادی هستند که در انتخاب ریشهٔ درخت و پایهٔ نظام فکری خود دچار خطا و اشتباه می‌شوند و ریشه‌ای ناکارآمد و ناسالم در زمین زندگی قرار می‌دهند.

۳۸- خصوصیات انسان‌هایی که ریشهٔ درخت فکری سالم و پایه‌های استواری دارند را با مثال توضیح دهید. (نهایی: خرداد ۱۴۰۲)

✍ پاسخ: این افراد با تأمل فراوان و با عقلانیت بالا، شاخ و برگ‌های سالم و استواری از آن ریشه استخراج کرده‌اند. در نتیجه، وقتی که به طور مثال، دربارهٔ فرهنگ صحبت می‌کند دقیقاً برگرفته از مبانی فلسفی اوست و این سخن به منزلهٔ شاخه و آن مبانی به منزلهٔ ریشهٔ همین شاخه است.

۳۹- سبک زندگی و آثار مکتوب و غیرمکتوب شهید مطهری نشان‌دهندهٔ چیست؟

✍ پاسخ: نشان‌دهندهٔ آن است که ایشان موفق شده براساس عمیق‌ترین اندیشه‌های فلسفی که با نبوغ فکری خود از دو استاد بزرگ معاصر آموخته بود و با تدبیر در قرآن و سخنان معصومین کسب کرده بود، یک نظام فکری و عملی خردمندانه را سامان دهد که در عین اتکالی به میراث فکری و عملی تمدن اسلامی، پاسخگوی نیازهای زمان ما باشد. به عبارت دیگر، ما می‌توانیم تأثیر دیدگاه‌های فلسفی ایشان را در آثاری که در رابطه با زندگی اجتماعی، اقتصادی جامعه نوشته است، به خوبی مشاهده کنیم.